



مدرسان شریف

فصل دوم

«مکتب‌های جغرافیای شهری»

مقدمه

جغرافیای شهری به سبک جدید از اوایل قرن بیستم شروع شد. اولین بررسی‌های علمی درباره این شاخه جغرافیا با مطالعات کی. هاسرت و آر. بلانشار انجام شد. این دو جغرافیدان بر تحلیل موقع و موضع شهر تأکید می‌کردند. با مطالعات آنان، تغییراتی در قلمرو جغرافیای شهری ایجاد شد. ابتدا در پیرایش، ساخت و توسعه شهرها به تأثیرات عوامل خارجی بیش از عوامل و اوضاع داخلی توجه می‌شد:

- ۱- شهرها در محل تلاقی سیستم‌های حمل‌ونقل به وجود می‌آمدند.
- ۲- نظریه‌های اقتصادی تنها در زمینه ارزش زمین و اجاره‌بها، سهولت دسترسی و وضعیت کانون برخورد مسیرها به کار می‌رفتند.
- ۳- از سال ۱۹۲۵ به بعد، مکتب جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو در مطالعات شهری، اکولوژی اجتماعی شهرها را مورد توجه قرار داد.

روش‌های کمی و جغرافیای شهری

بعد از سال ۱۹۵۰ دو نظریه تازه علمی، علم جغرافیا به‌ویژه جغرافیای شهری را تحت تأثیر قرار داد:

۱- در سال ۱۹۵۳، فرد کی شیفر از فلسفه تفاوت‌های مکانی - که به وسیله ریچارد هارتشورن در سال ۱۹۳۹ مطرح شد و تعاریف و مفاهیم جدیدی بر علم جغرافیا افزود - به شدت انتقاد کرد. وی به جغرافیدانان پیشنهاد داد که به جای «تفاوت‌های مکانی» در بحث از مفاهیم اصلی جغرافیا «قوانین مورفولوژی الگوها» را به کار گیرند.

۲- نظریه‌های علمی تورستن هاگستراند در زمینه «نظریه پخش پدیده‌های جغرافیایی» مورد توجه همکاران شیفر قرار گرفت. بعد از سال ۱۹۶۰، روش‌های آماری و کمی وارد مباحث علم جغرافیا شد که ابتدا در ایالات متحده و بعد در انگلستان طرفداران بسیاری یافت. معروف‌ترین جغرافیدانان آمریکایی و انگلیسی که در علم جغرافیا روش‌های کمی را در مسیرهای تازه‌ای قرار دادند، عبارت‌اند از: برایان بری، ریچارد چورلی، استن گریگوری و پتر هاگت

در این میان، روش علمی برایان بری بسیار مؤثر بود. او برای اولین بار در تاریخ علم جغرافیا با روش‌های کمی به تحلیل الگوهای سکونتگاهی پرداخت و با توجه به میزان جمعیت، موقعیت شهرها، شهرک‌ها، روستاها، محله‌ها و مراکز ناحیه‌ای در یافتن نظام فضایی با روش‌های کمی، توفیق بسیاری به دست آورد. وی در جغرافیای شهری از بزرگان نظریه «اصل تحقیق‌پذیری» به شمار می‌رود.

در دهه ۱۹۶۰، بار دیگر اکولوژی اجتماعی با نگرش‌ها و ابعاد تازه‌ای مورد توجه قرار گرفت؛ بدین سان که ساخت داخلی شهرها را با تأکید بر مراحل اکولوژیک، هجوم، توالی و جدایی‌گزینی با تأثیرپذیری از داروین‌یسم اجتماعی مورد تحلیل قرار دادند. برخورد رفتاری در جغرافیا با سیر تکاملی جغرافیای شهری از طریق مطالعه الگوهای حرکت شروع می‌شود. در این مکتب جغرافیایی، رفتار مصرف‌کنندگان شهری هنگام مراجعه به مراکز خدماتی شهرها و بهره‌گیری از آن به‌دقت از لحاظ علمی بررسی می‌شود.

گام دوم در این مرحله، مطالعه روند حرکت‌های درون‌شهری مردم محله‌های مختلف شهر است که به مسیرهای جدید در اکولوژیک تطبیقی می‌انجامد.

از این مرحله به بعد، جغرافیای شهری به قلمرو تازه‌ای به نام «پدیدارشناسی جغرافیایی» می‌رسد. این مکتب جغرافیایی که متأثر از مکتب فلسفی پدیدارشناسی است، اندیشه‌های به‌کارگیری الگوهای علوم طبیعی را در پدیده‌های اجتماعی رد می‌کند. از این رو در جغرافیای شهری، مکتب پدیدارشناسی اعتقادات، باورها و ایدئولوژی‌های هر جامعه شهری را با جوامع شهری کشورهای دیگر متفاوت می‌داند. در این نگرش، تحت عنوان اصول و قوانین جغرافیای شهری، تصمیم آنچه در شهرهای جهان سرمایه‌داری توسعه‌یافته و صنعتی به‌دست آمده است، به شهرهای نواحی مختلف جغرافیایی، فاقد اعتبار علمی است. در دهه ۱۹۷۰، روش‌های کمی و برخوردارهای نظریه‌ای و رفتاری به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفت. این انتقادات بیشتر از طرف مکتب‌های رادیکال و ساختارگرایی بود.

از نظر پیتر هاگت، هم اکنون دو روند اصلی در برابر کارآموزان جغرافیا قرار گرفته است:

۱- سیستم اکولوژیک: در این سیستم، روابط و وابستگی‌های میان انسان و محیط بررسی می‌شود.

نکته ۱: در این دیدگاه، در جغرافیای انسانی پیشرفته عصر حاضر، تحلیل مسائل شهری به عنوان «یک سیستم اجتماعی ناحیه‌ای» اساس کار در جغرافیای شهری قرار می‌گیرد؛ بدین سان که شهر هم به منزله یک واحد و هم داخل یک سیستم ناحیه‌ای بررسی می‌شود.

۲- سیستم فضایی: در این سیستم، روابط و وابستگی میان یک مکان با مکان دیگر یا یک ناحیه با ناحیه دیگر در یک روند مبادله‌ای و مجموعه‌ای مطالعه می‌شود.

کلمه مثال ۱: کدام یک از جغرافیدانان پیشنهاد کرد که به جای تفاوت‌های مکانی، قوانین مورفولوژی الگوها را به کار ببرند؟

- (۱) تورستن هاگستراند (۲) فردکی شیفر (۳) ریچارد هارتشون (۴) استن گریگوری

پاسخ: گزینه «۲» فردکی شیفر در سال ۱۹۳۹ به جغرافیدانان پیشنهاد داد در بحث مفاهیم اصلی جغرافیا قوانین مورفولوژی الگوها را به کار ببرند.

کلمه مثال ۲: کدام مکتب در جغرافیای شهری به کارگیری الگوهای علوم طبیعی در پدیده‌های اجتماعی را رد می‌کند؟

- (۱) پدیدارشناسی (۲) تفاوت‌های مکانی (۳) اکولوژیک تطبیقی (۴) جغرافیای رفتاری

پاسخ: گزینه «۱» پدیدارشناسی جغرافیایی که متأثر از مکتب فلسفی پدیدارشناسی است، اندیشه‌های به‌کارگیری الگوهای علوم طبیعی در پدیده‌های اجتماعی را رد می‌کند.

جغرافیای شهری و اقتصاد جهانی

عده‌ای از جغرافیدانان در تغییرات ساختار شهرهای زمان ما، به‌ویژه شهرهای جهان سوم، بر وابستگی کشورها به سیستم اقتصاد جهانی تأکید دارند. در جغرافیای شهری، شهرهای آمریکایی به پنج طبقه تقسیم می‌شوند: ۱- شهرهای اداری ۲- مراکز نوآوری ۳- شهرهای تولیدی ۴- شهرهای وارداتی انباری و صادراتی ۵- شهرهای بازنشستگان

در نگرش شهر در اقتصاد جهانی با سلسله‌مراتب جهانی مربوط به شهر روبه‌رو هستیم که بازتابی از تصمیم‌گیری‌های سلسله‌مراتبی سازمان‌ها و شرکت‌های چندملیتی است. در این نگرش، فضایی و کیفیت ساختاری و اکولوژیک و شهرها، تنها با توجه به سیستم اقتصاد جهانی با توجه به ساخت شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ و میانی است؛ بدین سان که ساخت داخلی شهرهای خاورمیانه، ژاپن و ایالات متحده همواره داخل سیستم اقتصاد جهانی بررسی می‌شود؛ پس در ساخت جغرافیای شهری امروزی، یک عامل پر قدرت خارجی (بین‌المللی) در توسعه شهری از نیروهای مؤثر و گاهی تعیین‌کننده به شمار می‌رود که تنها عامل مؤثر در توسعه شهری نخواهد بود، بلکه به همراه عوامل مؤثر داخلی عمل می‌کند.

جغرافیدانان معتقد به اکولوژی تطبیقی از شهرها، با در نظر گرفتن کلیت جامعه، که شهر نیز جزئی از آن است، در یک حالت تطبیقی مقایسه‌ای و با توجه به فرهنگ و نظام جامعه درباره شهرها مطالعه می‌کنند؛ مثل شهرهای جهان اسلام، شهرهای کشورهای پیشرفته و صنعتی، شهرهای جهان سوم و شهرهای کشورهای سوسیالیستی

کلمه مثال ۳: در نگرش شهر در اقتصاد جهانی با مربوط به شهر روبه‌رو هستیم.

- (۱) توسعه شهری (۲) اقتصاد شهری
(۳) سلسله‌مراتب جهانی (۴) اقتصاد جهانی

پاسخ: گزینه «۳» در نگرش شهر در اقتصاد جهانی با سلسله‌مراتب جهانی مربوط به شهر مواجه هستیم که بازتابی از تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های چندملیتی است.



مکتب ساختارگرایی و جغرافیای شهری

جغرافیدانان این مکتب معتقدند که در علم جغرافیا و جغرافیای شهری، پدیده‌های گوناگون فضای زندگی را نمی‌توان جداگانه و مستقل از یکدیگر مطالعه کرد؛ بدین‌سان که در این علم، هر پدیده‌ای با توجه به مجموعه پدیده‌ها بررسی می‌شود. در واقع در مکتب ساختارگرایی، پدیده‌های جغرافیایی یا شهری به صورت مجزا در کنار هم قرار نمی‌گیرند، بلکه هر پدیده جغرافیای شهری جزئی از کل ساختاری است و تنها درون این ساختار می‌توان آن را تحلیل کرد؛ زیرا کل ساخت فضای زندگی بر هر پدیده جغرافیای شهری اثر می‌گذارد.

در مکتب ساختارگرایی، شهرها و پدیده‌های شهری بخشی از یک جامعه وسیع‌تر محسوب می‌شوند و برای شناخت عمیق‌تر و منطقی‌تر مسائل شهری باید کل جامعه، که شهر نیز جزئی از آن است، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، در موضوعات و مباحث جغرافیای شهری، شهر نباید مستقل و جدا از دیگر اوضاع جامعه بررسی شود.

کج مثال ۴: کدام مکتب بیشتر بر شناخت عمیق نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرها تأکید دارد؟

- (۱) انسان‌گرایی (۲) پوزیتیویسم (۳) ساخت‌گرایی (۴) نئووبری

پاسخ: گزینه «۳» جغرافیدانان مکتب ساخت‌گرایی بیشتر بر شناخت عمیق نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در شهر تأکید دارند.

مکتب اقتصاد کلاسیک جدید و جغرافیای شهری

در مکتب اقتصاد کلاسیک جدید، بیشترین سود برای مصرف‌کننده و بیشترین نفع برای تولیدکننده از طریق عامل رقابت به دست می‌آید که تنظیم و متعادل‌کننده تولید با مصرف است. در این مکتب، در کاربری زمین بر آزادی انتخاب خانواده‌ها و بنگاه‌ها تأکید می‌شود و عدم کنترل و محدودیت مورد نظر است.

کج مثال ۵: چه کسی به جغرافیدانان پیشنهاد داد که در بحث از مفاهیم اصلی جغرافیا «قوانین مورفولوژی الگوها» را به کار ببرند؟

- (۱) کی. هاسرت (۲) آر. بلانشارد (۳) فرد کی شیفر (۴) ژرژ کهل

پاسخ: گزینه «۳» در سال ۱۹۵۳ فردکی شیفر از فلسفه تفاوت‌های مکانی که به وسیله ریچارد هارتشورن در سال ۱۹۳۹ مطرح شد و تعاریف و مفاهیم جدیدی بر علم جغرافیا افزود - به‌شدت انتقاد کرد. وی به جغرافیدانان پیشنهاد داد که به جای «تفاوت‌های مکانی» در بحث از مفاهیم اصلی جغرافیا «قوانین مورفولوژی الگوها» را به کار گیرند.

کج مثال ۶: در جغرافیای شهری، پدیدارشناسی جغرافیایی در مقابل کدام نگرش قرار می‌گیرد؟

- (۱) مکتب پوزیتیویسم منطقی (۲) داروینیسم اجتماعی (۳) نگرش فضایی (۴) دیدگاه اکولوژیک

پاسخ: گزینه «۱» مطالعه روند، حرکت‌های درون‌شهری مردم محله‌های مختلف شهر است که به مسیرهای جدید در اکولوژیک تطبیقی می‌انجامد. از این مرحله به بعد، جغرافیای شهری به قلمرو تازه‌ای به نام «پدیدارشناسی جغرافیایی» می‌رسد. این مکتب جغرافیایی که متأثر از مکتب فلسفی پدیدارشناسی است، اندیشه‌های به‌کارگیری الگوهای علوم طبیعی را در پدیده‌های اجتماعی رد می‌کند؛ از این رو در جغرافیای شهری، پدیدارشناسی جغرافیایی در مقابل نگرش‌های مکتب پوزیتیویسم و برخورد رفتاری قرار می‌گیرد.

کج مثال ۷: در چهل سال گذشته، جغرافیای شهری مانند دیگر شاخه‌های علم جغرافیا از تأثیر پذیرفته است.

- (۱) پوزیتیویسم منطقی (۲) ساختارگرایی (۳) رفتارگرایی (۴) عدالت اجتماعی

پاسخ: گزینه «۱» در چهل سال گذشته جغرافیای شهری به شدت از پوزیتیویسم منطقی سود برده است.

لیبرالیسم، رادیکالیسم و جغرافیای شهری

جغرافیای رادیکال بین سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۳، بازتابی علیه جنگ ویتنام، گسترش عدالت اجتماعی برای همه طبقات جامعه و آلودگی‌های محیطی است. در این مکتب تأکید بر مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدانان قرار می‌گیرد. در این دوره لیبرال‌ها وارد اردوگاه سوسیالیست‌ها می‌شوند و با تأثیرپذیری از تفکرات سوسیالیستی، توسعه شهر و مسائل آن را بررسی می‌کنند. در این دوره برای رفاه اجتماعی مردم درباره مکان‌گزینی خدمات عمومی تحقیقات ارزشمندی انجام می‌گیرد. لیبرال‌ها در جست‌وجوی چنان رفاه اجتماعی بودند که برای مطلوب ساختن نظام اندک‌اندک بدان عمل شود. این تفکرات در جناح چپ لیبرال‌ها مطرح می‌شد. پتر هال، نگرش‌های متفاوت فکری و فلسفی جغرافیدانان لیبرال با جغرافیدانان رادیکال را ناشی از این موارد می‌داند:

۱- لیبرال‌ها و اثبات‌گرایان به فلسفه پوزیتیویسم منطقی معتقدند؛ در حالی که جغرافیدانان رادیکال بر این نکته تأکید می‌کنند که امر شهرنشینی محصول سیستم‌های مشخص اجتماعی - اقتصادی است و ساخت داخلی شهرها و تفاوت‌های موجود در کاربری زمین در شهرها باید با توجه به عامل رسیدن به حداکثر سود تبیین شود.

۲- به نظر جغرافیدانان رادیکال، شهر اساساً محصول نیروهای اقتصادی است.

۳- امروزه کارکردهای شرکت‌های چندملیتی در چند شهر جهانی متمرکز شده است؛ جایی که این شرکت‌ها بر دیگر شهرها و حومه‌های سراسر دنیا نظارت دارند؛ زیرا طلب سود بیشتر و در نتیجه عامل رقابت جزء سیستم شرکت‌های چندملیتی است که به صورت دائمی و پایدار عمل می‌کنند. دیوید هاروی در سال ۱۹۷۳ معروف‌ترین کتاب خود را با عنوان عدالت اجتماعی و شهر منتشر کرد. او در این کتاب بر سه مفهوم اساسی تأکید دارد: (۱) مفهوم مازاد (۲) شیوه یکپارچه اقتصادی (۳) مفاهیم سازمان فضایی

نکته ۲: هاروی معتقد است وظیفه اصلی شهر و شهرگرایی تثبیت نوع خاصی از شیوه تولید است.

اما گاهی همین شهر در نقش کانون اصلی انقلاب در برابر نظام تثبیت‌شده ظاهر می‌شود و گاهی با تمرکز جغرافیایی تولید مازاد اجتماعی، که نتیجه تولید و تمرکز شیوه یکپارچه اقتصادی است، به کار خود ادامه می‌دهد. چنین می‌نماید که دیوید هاروی در ردیف آن گروه از جغرافیدانانی باشد که به وابستگی میان روند اجتماعی و شکل‌های فضایی معتقدند و در جغرافیای شهری در جست‌وجوی یافتن وابستگی وسیع میان شهرگرایی و روند رشد اقتصادی موجود هستند.

مثال ۸: در کدام مکتب تأکید بر مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدان قرار می‌گیرد؟

(۱) جغرافیای رادیکال (۲) جغرافیای لیبرال (۳) جغرافیای رفتاری (۴) جغرافیای ساختارگرایی

پاسخ: گزینه «۱» جغرافیای رادیکال بین سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۳ گسترش پیدا کرد و در این مکتب تأکید بر مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدان محسوب می‌شود.

مثال ۹: عدالت و رفاه اجتماعی از چه دهه‌ای در جغرافیای شهری شکل گرفت؟

(۱) ۱۹۶۰ میلادی (۲) ۱۹۷۰ میلادی (۳) ۱۹۸۰ میلادی (۴) ۱۹۹۰ میلادی

پاسخ: گزینه «۲» از سال ۱۹۷۰ به بعد عدالت اجتماعی در جغرافیای شهری شکل گرفت.

مکتب اکولوژی شهری

در شصت سال گذشته، مکتب اکولوژی شهری شیکاگو بیش از دیگر مکتب‌ها بحث‌هایی در جغرافیای شهری مطرح کرده است. رابرت پارک یکی از بنیان‌گذاران این مکتب است. در این مکتب در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاکل به کار گرفته شده است؛ زیرا بنیان‌گذاران مکتب شیکاگو معتقدند که گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه‌های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند.

نکته ۳: در سال ۱۹۱۶ مکتب شیکاگو در مطالعات شهری به وجود آمد که رابرت پارک، ارنست برگس و رودریک مکنزی از بزرگان این مکتب در آن زمان هستند. مکتب شیکاگو چند دهه بر جامعه‌شناسی شهری، جغرافیای شهری و اقتصاد شهری همه دانشگاه‌های دنیا تأثیر گذاشت و پایه همه مطالعات شهری در چهار گوشه دنیا قرار گرفت.



مکتب اکولوژی شهری شیکاگو از تفکرات زیر متأثر بوده است:

- ۱- دیدگاه داروینیسیم اجتماعی: اساس نظریه‌های این مکتب، قیاس بیولوژیک زیستی بود. در این نظریه، گروه‌های اجتماعی شهر برای فضایی، درست مانند گونه‌های گیاهی و حیوانی عمل می‌کنند؛ یعنی مراحل اکولوژیک نفوذ و توالی به روشنی در جامعه شهری و بین گروه‌های اجتماعی دیده می‌شود و در این مراحل اکولوژیک، مرحله توسعه، تراکم، کاهش تراکم و سرانجام جدایی‌گزینی گروه‌های اجتماعی را به وضوح می‌توان تشخیص داد.
- ۲- اقتصاد نئوکلاسیک: از خصوصیات مکتب جدید آن بود که معتقدان به این مکتب، علم اقتصاد را براساس تنها اصل مسلم که «انسان در جست‌وجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است» پایه‌گذاری کردند. مکتب اقتصاد نئوکلاسیک از مکتب اقتصاد کلاسیک متأثر بود که اصول آن عبارت‌اند از:

- ۱- آزادی کسب و کار
- ۲- عدم دخالت دولت در امور اقتصادی
- ۳- همراهی نفع فردی و اجتماعی
- ۴- اهمیت صنعت، صنعت منشأ تجارت

انتقاد وارد شده به مکتب مطالعات شهری شیکاگو این است که این مکتب، داروینیسیم اجتماعی را در مورد شهرها با سکوت به کار گرفته است و شکل‌گیری خاص شهرها را در آزادی امپریالیسم به یک نظام طبیعی عمومی نسبت داده است.

کلمه مثال ۱۰: در مکتب اکولوژی شهری در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی از کیست؟

- (۱) رابرت پارک (۲) ارنست هاگل (۳) ژان گاتمن (۴) پیتر هال

پاسخ: گزینه «۲» در مکتب اکولوژی شهری در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاگل به کار گرفته شد.

کلمه مثال ۱۱: در شهرهای در حال توسعه امروزی، کدام عامل تعیین‌کننده اکولوژی اجتماعی شهرهاست؟

- (۱) اقتصادی (۲) سیاسی (۳) فرهنگی (۴) اجتماعی

پاسخ: گزینه «۱» در مکتب اکولوژی اجتماعی در شهرهای در حال توسعه عامل کلیدی اقتصاد است.

کلمه مثال ۱۲: مراحل هجوم و توالی اکولوژیک کدام‌اند؟

- (۱) هجوم - نفوذ - تراکم - تثبیت (۲) نفوذ - هجوم - تثبیت - تراکم (۳) هجوم - تسلط - تراکم - تثبیت (۴) هجوم - توالی - تثبیت - نفوذ

پاسخ: گزینه «۲» در مکتب اکولوژیک شهری، توالی اکولوژیکی و مراحل هجوم به صورت نفوذ، هجوم، تثبیت و تراکم است.

مکتب نئواکولوژیک و جغرافیای شهری

رنسانس واقعی در مطالعات اکولوژیک با کار آموس هاوولی در سال ۱۹۵۰ شروع شد. بعد از این تاریخ، عامل فرهنگ اساس مطالعات اکولوژیک و تنها عامل مؤثر در تفاوت‌یابی و ویژگی میان گروه‌های اجتماعی قرار گرفت. در این دوره، عامل اقتصادی اعتبار لازم خود را به دست آورد و در تبیین شاخص‌های اجتماعی و شاخص‌های اقتصادی به کار گرفته شد.

نکته ۴: در مکتب نئواکولوژیک، وابستگی میان ساختارهای اجتماعی و ساختارهای اقتصادی اساس کار قرار می‌گیرد.

قشربندی‌های اجتماعی شهرها با همه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مکتب با بحث جالب لوئیز ورث با عنوان «شهرگرایی شیوه زندگی» فعالیت علمی خود را آغاز کرد. وی بیش از اوضاع فضایی شهرگرایی بر ویژگی‌های فرهنگی آن تأکید می‌کند. با پایه‌گذاری مکتب جدید اکولوژیک، تحلیل جدایی‌گزینی اکولوژیک در مسیر مطالعه طبقات جامعه و جدایی‌گزینی فضایی آن‌ها قرار می‌گیرد و در هر یک از حوزه‌های اجتماعی، نگرش‌ها و رفتارها بررسی می‌شود.

نکته ۵: به طور کلی، رقابت اکولوژیک بازتاب روشنی از جهت‌گیری‌های نفع‌طلبانه تصمیم‌گیرندگان بر قدرت شهری محسوب می‌شود و حوزه‌های طبیعی یا حوزه‌های اجتماعی شهرها نیز نمی‌توانند به مدت طولانی به صورت حوزه‌های طبیعی باقی بمانند.

کلمه مثال ۱۳: فعالیت علمی مکتب نئواکولوژیک با کدام بحث علمی شروع شد؟

- (۱) تفکرات فرهنگی (۲) شاخص‌های اجتماعی (۳) شاخص‌های اقتصادی (۴) شهرگرایی شیوه زندگی

پاسخ: گزینه «۴» در مکتب نئواکولوژیک وابستگی میان ساختارهای اجتماعی و اقتصادی اساس کار است و این مکتب با بحث لوئیز ورث با عنوان شهرگرایی شیوه زندگی فعالیت علمی خود را آغاز کرد.

اکولوژی فرهنگی و جغرافیای شهری

این نگرش علمی در سال ۱۹۲۳ از مکتب شیکاگو و توسط هارلن باروز جغرافیدان آمریکایی وارد مباحث جغرافیایی شد. در سال ۱۹۲۸، کارل ساور آن را تکمیل کرد. در این نگرش، چشم‌انداز فرهنگی اساس مطالعات شهری است و طبقه‌بندی گروه‌های فرهنگی، مذهبی، زبانی و سازمان یافتن آن‌ها در محله‌ها و مکان‌های شهری بررسی می‌شود.

نکته ۶: کارل ساور با طرح عنوان «مورفولوژی چشم‌اندازها» از این مفهوم جغرافیایی در سطح وسیع علمی استفاده می‌کند.

بدین سان، پیروان مکتب اکولوژی فرهنگی معتقدند که هر چشم‌انداز جغرافیایی الگوها و ویژگی‌های فرهنگ جامعه را تبیین می‌کند. در مکتب اکولوژی فرهنگی، مورفولوژی چشم‌انداز مورد نظر است که تفکرات سنتی جغرافیا روابط «انسان و زمین» را به خاطر می‌آورد؛ اما برخورد «انسان‌گرایی» با موضوع از ویژگی‌های مهم این مکتب است. در اکولوژی فرهنگی، هنگام مطالعه شهرها بیش از هر عامل دیگر به دوره‌های تاریخی مکان‌های شهری توجه می‌شود.

یادآوری می‌کنیم که مفهوم فرهنگ در جغرافیا، جغرافیای فرهنگی و جغرافیای شهری عبارت است از مجموعه روش‌های زندگی مشترک گروهی از مردم که همانندی در رفتار، ایدئولوژی، اقتصاد، مذهب، تکنولوژی و دولت، آن‌ها را داخل یک فرهنگ به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ بنابراین جغرافیای فرهنگی نیز تفاوت‌های فضایی میان گروه‌های فرهنگی را مطالعه می‌کند که منشأ این تفاوت‌ها فرهنگ جوامع انسانی است.

کلمه مثال ۱۴: چشم‌انداز فرهنگی اساس مطالعات شهری در کدام مکتب است؟

- (۱) اکولوژی فرهنگی (۲) نئوآکولوژیک (۳) سیاست شهری (۴) جغرافیای رفتاری

پاسخ: گزینه «۱» چشم‌انداز فرهنگی اساس مطالعات شهری در اکولوژی فرهنگی می‌باشد که کارل ساور آن را مطرح کرد.

مدل سیاست شهری

برایان بری در روند برنامه‌ریزی، مدل سیاست شهری را ارائه می‌کند که از مدل‌های شناخته‌شده در سیاست شهری است. او مدل دیگری را با عنوان «شیوه حل مسائل آینده» مطرح می‌کند که خلاصه آن به شرح زیر است:

در شیوه حل مسائل آینده بر اهداف بلندمدت و مسائلی تأکید می‌شود که در آینده به وجود خواهد آمد و آینده‌نگری از ویژگی‌های این قبیل برنامه‌ریزی‌هاست.

شیوه تأمین امکانات رشد مدل دیگری از سیاست شهری است. در این شیوه مسائل آینده مورد نظر نیست و برنامه‌ریزان در پی یافتن امکانات و زمینه‌های مساعدی برای رشد و توسعه هستند که شامل هر دو بخش عمومی و خصوصی باشد.

شیوه برنامه‌ریزی مطلوب برای آینده از جمله شیوه‌های برنامه‌ریزی است که برایان بری مطرح می‌کند. در این شیوه بر مطلوبیت بخشیدن به آینده سیستم شهری تأکید می‌شود.

کلمه مثال ۱۵: در کدام یک از مکاتب جغرافیایی، مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدانان قرار می‌گیرد؟

- (۱) مکتب ساختارگرایی (۲) مکتب اقتصاد نئوکلاسیک (۳) مکتب لیبرالیسم (۴) مکتب رادیکال

پاسخ: گزینه «۴» جغرافیای رادیکال بین سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۳ بازتابی علیه جنگ ویتنام، گسترش عدالت اجتماعی برای همه طبقات جامعه و

آلودگی‌های محیطی است. در این مکتب، تأکید بر مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدانان قرار می‌گیرد. در این دوره، لیبرال‌ها وارد اردوگاه سوسیالیست‌ها می‌شوند و با تأثیرپذیری از تفکرات سوسیالیستی توسعه شهر و مسائل آن را بررسی می‌کنند.

کلمه مثال ۱۶: کدام یک از جغرافیدانان معتقد است که وظیفه اصلی شهر و شهرگرایی، تثبیت نوع خاصی از شیوه تولید است؟

- (۱) هارنشون (۲) دیوید هاروی (۳) برایان بری (۴) پیتر هاگت

پاسخ: گزینه «۲» دیوید هاروی در سال ۱۹۷۳ معروف‌ترین کتاب خود را با عنوان عدالت اجتماعی و شهر منتشر کرد. او در این کتاب بر سه مفهوم

اساسی تأکید کرد: (۱) مفهوم مازاد (۲) شیوه یکپارچه اقتصادی (۳) مفاهیم سازمان فضایی

او معتقد است وظیفه اصلی شهر و شهرگرایی تثبیت نوع خاصی از شیوه تولید است؛ اما گاهی شهر در نقش کانون اصلی انقلاب، در برابر نظام تثبیت‌شده ظاهر می‌شود.



کج مثال ۱۷: چه کسی رنسانس واقعی در مطالعات اکولوژیک را به وجود آورد؟

- (۱) هاوولی (۲) برگس (۳) رابرت پارک (۴) مکنزی

پاسخ: گزینه «۱» رنسانس واقعی در مطالعات اکولوژیک با کار آموس هاوولی در سال ۱۹۵۰ شروع شد. بعد از این تاریخ، عامل فرهنگ اساس مطالعات اکولوژیک و تنها عامل مؤثر در تفاوت‌یابی و ویژگی میان گروه‌های اجتماعی قرار گرفت. در این دوره، عامل اقتصادی اعتبار لازم خود را به دست آورد و در تبیین شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شد.

کج مثال ۱۸: کارل ساور از کدام مفهوم جغرافیایی در سطح وسیع علمی استفاده کرد؟

- (۱) چشم‌انداز فرهنگی (۲) اکولوژی فرهنگی (۳) مورفولوژی چشم‌انداز (۴) جغرافیای فرهنگی

پاسخ: گزینه «۳» کارل ساور با طرح عنوان «مورفولوژی چشم‌اندازها» از این مفهوم جغرافیایی در سطح وسیع علمی استفاده می‌کند. بدین سان پیروان مکتب اکولوژی فرهنگی معتقدند که هر چشم‌انداز جغرافیایی، الگوها و ویژگی‌های فرهنگ جامعه را تبیین می‌کند.

کج مثال ۱۹: هنگام مطالعه شهرها در اکولوژی فرهنگی به کدام عامل بیش از همه توجه می‌شود؟

- (۱) دوره‌های تاریخی مکان‌های شهری (۲) فرهنگ (۳) منطقه طبیعی (۴) عوامل انسانی

پاسخ: گزینه «۱» در مکتب اکولوژی فرهنگی، مورفولوژی چشم‌انداز مورد نظر است که تفکرات سنتی جغرافیا، روابط انسان و زمین را به خاطر می‌آورد؛ اما برخورد «انسان‌گرایی» با موضوع از ویژگی‌های مهم این مکتب است. در اکولوژی فرهنگی، هنگام مطالعه شهرها بیش از هر عامل دیگر به دوره‌های تاریخی مکان‌های شهری توجه می‌شود.

بررسی نظریه‌های مربوط به پیدایش شهرها

اولین پایگاه تفکر در منشأ پدایش شهرها «مکتب جبر جغرافیایی» است که فردریک راتزل از پایه‌گذاران آن به شمار می‌رود. در دوره‌ی توجه به جبر جغرافیایی و قبول نقش قاطع و تعیین‌کننده، عوامل طبیعی در رویدادها و پدیده‌های جغرافیایی و تاریخی، شهر و تمدن نیز حاصل عوامل ویژه طبیعی قلمداد می‌شد.

دومین پایگاه تفکر در زمینه پیدایش شهرها به موازات جبر جغرافیایی، نظریه «پخش‌گرایی» است که در علوم اجتماعی، به ویژه در مردم‌شناسی و جغرافیا، مورد تأکید قرار گرفته است و ارتباط نزدیکی با محیط‌گرایی دارد. در نظریه پخش‌گرایی، سیر مدنیت و گسترش تمدن‌های شهری به وضعیت مساعد طبیعی بستگی دارد.

نکته ۷: براساس این نظریه، تمدن شهری ابتدا به صورت دولت‌شهر یا واحدهای نسبتاً مستقل در دشت‌های جنوب غربی آسیا ظاهر می‌شود؛ سپس به سوی مشرق یعنی حوزه سند و به سوی مغرب یعنی ناحیه کرت گسترش می‌یابد و در این مسیر یابی به یونان و روم می‌رسد. سومین تفکرات جغرافیایی که در قرن نوزدهم مورد توجه قرار می‌گیرد، «پایگاه انقلاب و تکامل» است. براساس این نظریه، سیر تمدن از ساده‌ترین شکل آن شروع می‌شود و در نهایت به تمدن شهری می‌انجامد. در همه دوره‌های تحول، اوضاع جغرافیایی محیط نیز در نظر گرفته می‌شود؛ از سکونت‌های موقتی گرفته تا زندگی از راه شکار، همچنین از روستاهای کشاورزی گرفته تا ایجاد شهرها.

برخی از محققان در شناخت شهر از روستا هنگام تمدن انسانی، بیشتر بر ارتباطات تجاری به همراه پنج عامل تأکید می‌کنند:

- ۱- برج و بارو و استحکامات
- ۲- وجود یک بازار
- ۳- دارا بودن یک دادگاه برای بعضی قوانین ویژه
- ۴- وجود شیوه‌ای از تعاون و همکاری
- ۵- حاکمیت شیوه دولت‌شهری یا دارا بودن نقشی نسبتاً مستقل

گوردن چایلد هنگام شناخت شهرها از روستاهای حوزه نئولیتیک به پنج ویژگی اشاره کرده است:

- ۱- میزان جمعیت: سکونتگاه‌های شهری در مقایسه با روستاهای قدیم عموماً جمعیت بیشتری داشت.

نکته ۸: گوردن چایلد با توجه به میزان جمعیت سکونتگاه‌های شهری، نظریه «انقلاب شهری» را مطرح کرد.

- ۲- ساخت شغلی جمعیت: یکی از عوامل مهم در شناخت شهر از روستا هنگام انقلاب شهری، وجود شغل‌های تخصصی در شهرها بود.

۳- سرمایه‌های عمومی در سیر مدنیت: پیامد سکونتگاه‌های شهری تشکیل سرمایه عمومی و در نتیجه به وجود آمدن بناهای یادبود و مقبره‌ها بود که قشر جدیدی از جامعه یعنی کاهنان بر آن حاکمیت داشتند.

۴- نگارش و علوم: در سکونتگاه‌های شهری نیاز به ثبت امور مختلف در سازمان‌های اجتماعی، مقدمه آمدن خط و ریاضیات بود که هر دو با تمدن شهری پیوندی نزدیک داشت.

۵- تجارت: آخرین عامل مهمی که شهر را از روستاهای قدیمی جدا می‌ساخت تجارت بود که به شبکه‌ای از مسیرها و راه‌های تجاری وابسته بود و این شبکه راه‌ها به منزله استخوان‌بندی شهر و نواحی شهرنشین محسوب می‌شد.

در سال‌های اخیر در رشته جغرافیای شهری، هنگام مطالعه و بررسی علل پیدایش شهرها بیشتر بر چهار نظریه تأکید می‌شود:

۱- نظریه هیدرولیک یا مبنای محیط‌گرایی: مفهوم مازاد تولید

یک اصل مهم در تاریخ اقتصاد این است که تمدن واقعی بشر تنها در بخش‌هایی از نواحی جغرافیایی ظاهر شده است که دارای آب و هوای مساعد و خاک حاصلخیز بوده است. توسعه کشاورزی تا حد بسیاری به یک سیستم آبیاری پیشرفته و همه این موارد به سازمان‌های اجتماعی و سیستم‌های اداری بستگی دارد. وجود این تحولات از ویژگی‌های شهر به شمار می‌آید و پیامد تحول مذکور به یک نوع سازمان‌یابی شهری منجر می‌شود که عبارت‌اند از:

الف) به وجود آمدن قشربندی‌های اجتماعی (ب) تخصص یافتن در شغل‌های مختلف (ج) به وجود آمدن سازمان‌های اجتماعی به طوری که ملاحظه می‌شود، نظریه هیدرولیک در پیدایش شهرها به تغییر اکولوژیک از شهرنشینی بسیار نزدیک است؛ بدین سان که براساس این نظریه، آبیاری زمین‌های قابل کشت، افزایش جمعیت و تراکم آن در نواحی مساعد طبیعی باعث پیدایش شهرها می‌شود. در شهرهای سومری برای نگهداری نیروهای نظامی از ثروت و درآمد شهرها استفاده می‌شد و ثروت‌ها و درآمدهای شهری نیز از حاصلخیزی خاک و وجود یک سیستم منظم آبیاری به دست می‌آمد. به موازات مازاد تولید و تمرکز جمعیت در یک مکان، تعاون و همکاری و دیوان‌سالاری و مدیریت برای سامان‌بخشی به امور ضرورت پیدا می‌کند که همه اینها در نهایت به یک مرکز قدرت فعال نیاز دارند. می‌توان گفت در بررسی‌های شهرنشینی بر مبنای مازاد محصول، مسأله آبیاری از عوامل اصلی پیدایش شهرها و توسعه شهرنشینی است.

۲- نظریه اقتصادی: شهر به عنوان یک بازار

در نظریه‌های اقتصادی، شهر مرکز مبادله کالا و کانون اصلی تجارت شناخته می‌شود. شهر به عنوان مرکز یک ناحیه جغرافیایی باعث می‌شود مبادلات تجاری در داخل ناحیه، همواره در مرکز آن صورت گیرد و تجارت راه دور نیز در آن متمرکز شود.

در این نظریه، شهر کانون برخورد مسیرهای تجاری به شمار می‌آید که در بخش بازار این مسیرها به هم می‌رسند. برای حفظ ثروت شهر و امنیت تجاری آن، اطراف شهر برج و بارو می‌سازند تا دفاع از آن امکان‌پذیر شود.

در این نظریه، توسعه کشاورزی تحت تأثیر رشد و توسعه شهری قرار می‌گیرد. طرفداران این نظریه چاتال هیوک را نمونه‌ای از این قبیل شهرها می‌دانند که در دوره نئولیتیک در آناتولی ترکیه قرار داشت.

۳- نظریه شهر به عنوان یک پایگاه نظامی و دفاعی

در این نظریه، عده‌ای از مردم ضرورتاً برای دفاع از سکونتگاه‌های خود دور هم جمع می‌شدند و مسأله دفاع هسته اولیه شهر را به وجود می‌آورد. چاتال هیوک نمونه‌ای از این گونه شهرها بود. در این شهر، ردیفی از واحد مسکونی، شکل حلقه‌ای شهر را ایجاد می‌کرد که ورود به آن تنها از طریق پشت‌بام خانه‌ها ممکن بود. بدین سان همه شهرهای اولیه در داخل دیوارهای شهری ایجاد می‌شد و به برج و بارو مجهز بود. شاید بتوان این نظریه را چنین توجیه کرد که در شهرها از همان آغاز پیدایش باید به مسأله دفاع توجه می‌شد و به موازات تجمع مردم و ایجاد سازمان‌های شهری، مسأله دفاع نیز اهمیت بیشتری می‌یافت.

۴- نظریه مذهبی: گسترش معابد و عبادتگاه‌ها

بیشتر محققانی که درباره نقش عامل مذهبی در پیدایش شهرها به تحقیق پرداخته‌اند، در میان ادیان بیش از همه بر ارتباط دین اسلام با توسعه شهری تأکید می‌کنند.

نکته ۹: بسیاری از تاریخدانان و جغرافیدانان اسلامی نظیر ابن خلدون، هنگام بحث درباره شهرنشینی به تفاوت‌هایی در سیستم فرهنگی قبل و بعد از اسلام اشاره می‌کنند.

الف) سیستم فرهنگ بادیه‌نشینی - کوچ‌نشینی که قبل از اسلام در بیشتر نقاط عربستان دیده می‌شد.

ب) سیستم فرهنگ شهری که با ظهور اسلام در همه جا گسترش یافت.

هنگام گذر از فرهنگ بادیه‌نشینی به کوچ‌نشینی به فرهنگ شهری، ایجاد سازمان‌های اجتماعی ویژه‌ای ضرورت می‌یابد که فرهنگ اسلامی بیش از دیگر ادیان بر این سازمان‌های اجتماعی تأکید می‌کند. طرفداران نظریه مذهبی در پیدایش شهرها معتقدند که عوامل مذهبی در به هم پیوستن گروه‌های مختلف اجتماعی در سکونتگاه‌های مختلف انسانی و نیز در تمرکز جمعیت و پیدایش شهرها، به ویژه در دوره‌های قدیم، بسیار مؤثر بوده است.



مدرسایان شریف

فصل پنجم

«شهر و شهرنشینی در ایران»

مقدمه

براساس شواهد به دست آمده از تاریخچه شهرنشینی در دنیا، ایران قدمتی طولانی در تاریخ شهرنشینی دارد. با وجود آنکه با تشکیل حکومت مادها شهرنشینی در ایران آغاز شد و در دوره سلوکیان شهرهای خودفرمان و مستقلی ظاهر شدند، بیشتر شهرهای دوره باستان که ما تاکنون مکان و موقعیت آنها را می‌شناسیم، در زمان ساسانیان به وجود آمدند؛ مانند قزوین، نیشابور، اردبیل و تبریز یا در این دوره گسترش و رونق یافتند؛ مانند شیراز، کرمانشاه، یزد و کرمان. شهرنشینی با فتح ایران به دست اعراب و وسعت نفوذ اسلام در مناطق مختلف و گسترش مبادلات تجاری رونق گرفت؛ اما با تهاجم مغولان، شهرنشینی در ایران رو به زوال رفت و تنها در دوران غازان خان رونق نسبی به شهرها بازگشت. با شکل‌گیری اولین حکومت ملی ایران پس از اسلام، یعنی صفویه، آرامش نسبی در کشور برقرار شد و سطح مبادلات تجاری ایران با کشورهای دیگر افزایش یافت و ایران به یکی از سه قدرت اقتصادی جهان تبدیل شد؛ از این رو در این دوره شهرها رونق یافتند و رشد کردند.

هر چند با روی کار آمدن حکومت صفویه، نقش ایران در اقتصاد جهانی برجسته شد و شهرها رونق یافتند، عواملی چند باعث اضمحلال این شکوفایی و رونق شد. یکی از این عوامل انقلاب اروپایی‌ها در صنعت کشتیرانی پس از قرن پانزدهم میلادی و قبل از روی کار آمدن حکومت صفویه بود که در سال‌های بعد نیز توسعه یافت. این انقلاب تراز تجاری برابر بین ایران و اروپا را به تدریج به نفع اروپاییان سنگین‌تر کرد و بدین ترتیب آن‌ها توانستند سودهای بیشتری از تجارت جهانی نصیب خود کنند. عوامل دیگر، عدم تغییر و حتی تضعیف شیوه‌های شبانکارگی، چادرنشینی، سهم‌بری دهقانی و خرده‌کالایی بودند که از قرن شانزدهم تا هجدهم میلادی در ایران وجود داشتند. این شیوه‌ها از جمله در کشاورزی به عنوان املاک سلطنتی، اخذ انواع مالیات و واگذاری تیول، گردآوری مالیات‌های صنعتی و عوارض گمرکی، انحصار تجارت پرسود ابریشم خام و کالاهای دیگر سبب شد تا هیچ گروهی نتواند به اندازه شاه سهمی از کل مازاد تولید داشته باشد.

رشد شهری در ایران با اقدامات رضاشاه آغاز و در نتیجه با سیاست‌های محمدرضا شاه پهلوی تشدید شد. این رشد در جمهوری اسلامی نیز روندی رو به افزایش دارد.

شهرنشینی و روستانشینی ایران در ادوار تاریخی

شهرنشینی در ایران دارای یک تمدن قدیمی و پرسابقه است که در تمام فلات ایران توسعه و گسترش داشته است.

نکته ۱: پیدایش، توسعه و مکان‌گزینی شهرهای دوره‌ی گذشته به تبع شرایط خاص زمانی بود. اولین شهرها در بین‌النهرین و حوالی مدیترانه ایجاد شدند. شهرنشینی در ایران تفاوت‌هایی با شهرنشینی در اطراف مدیترانه داشت. شهرهای اطراف مدیترانه از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده و از فلسفه خاصی تبعیت می‌کردند. نظام شهری در مدیترانه مبتنی بر نوعی مردم‌سالاری اشرافی بود که اکثراً بقا و توسعه آنها مدیون موقعیت تجاری آنها بود.

برای مثال نمونه‌ای از شهرهای قدیمی در ایران عبارت‌اند از:

۱- شهر قدیمی شوش که پایتخت بود ۲- اهواز قدیم ۳- ماداکتو ۴- خنیدلو.

سرزمین ایلام که آن را «انزان یا انشان» نیز می‌گویند، در آغاز، خوزستان کنونی را شامل می‌شد و در حدود پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح قبایلی از اطراف به آنجا رفته و در نواحی شوش به کشاورزی و شهرنشینی پرداختند.

مادها پس از ورود به ایران (قرن ۱۳-۱۰ پیش از میلاد) در شمال غرب ایران که شامل آذربایجان، کردستان، کرمانشاه، همدان، لرستان و نواحی ری بود، ساکن شدند.

مادها با انتخاب همدان (هگمتانه - محل اجتماع) به عنوان پایتخت، گذشته از اعلام تشکیل یک حکومت مقتدر که می‌خواست عظمت خود را به رخ دشمنان بکشد، شهر جدید را به عنوان مظهر وحدت ملی تازه تشکیل شده قلمداد کردند. عوامل اقتصادی چون ترقی پیشه‌وران و اصناف نیز در این مورد مؤثر بود. **شهرها در این دوره معمولاً نقاط سوق‌الجیشی پراهمیتی بودند که بر سر راه‌های تجاری - نظامی بنیان و توسعه می‌یافتند.**

هرودوت عقیده داشت که دیوکس (دیاکو) بنیان‌گذار دولت ماد در محل اقامت خود به قضاوت و حل‌وفصل مشکلات می‌پرداخت. اهمیت و شکوه شهرسازی از زمان داریوش بزرگ آشکار شد. در زمان او عناصر فراوان از معماری و حجاری ملل مختلف گردآوری و تألیف شدند. ایران در زمان این پادشاه به بزرگ‌ترین وسعت خود دست یافت. ظاهراً ۴۶ نوع قوم را دربرداشته و شامل ۲۶ و به روایتی ۳۰ ایالت بوده است که هر کدام یک حاکم داشته که به نام شهریان نامیده می‌شد. فتح مصر و ساختن جاده‌های مهم که از شوش به نقاط مختلف کشیده شده بود و روابط پولی، به تدریج به رونق شهرنشینی و شهرگرایی دوران هخامنشی افزود. سبک‌های بابلی، آشوری، مصری و یونانی در شوش، تخت جمشید و استخر به هم آمیخته و سبک تازه‌ای در شهرسازی ایجاد کردند. از ویژگی‌های عام شهرهای هخامنشی، استقرار قصر سلطنتی در مرکز شهر بود که در کنار آن محله‌های درباری قرار داشتند. پادگان نیز در قصر سلطنتی (کهن‌دژ) و محله‌های درباری و محله‌های مسکونی و کوچه‌های شهر قرار داشت و بر گرد آن عموماً حصار بلند از خشت ساخته می‌شد. پایتخت‌های هخامنشیان شهرهای پاسارگاد، استخر، پرسپولیس (تخت جمشید)، شوش، همدان و بابل بودند.

نکته ۲: به‌طور کلی، نخستین نطفه تقسیمات کالبدی فضای شهر بر مبنای طبقات اجتماعی در شهرهای هخامنشی بسته می‌شود. این امر از آنجا ناشی می‌گردد که ملل مختلفی که اغلب از هخامنشیان پیشرفته‌تر و ثروتمندتر بودند، در امپراتوری هخامنشی گرد هم می‌آیند. تحول و توسعه صنایع دستی و تجارت نتیجه چنین اختلاطی است. تمرکز امپراتوری توسعه بازرگانی را سبب می‌شود.

اسکندر مقدونی پس از رسیدن به پادشاهی و تصرف شهرهای یونان ضمن عبور از تنگه داردانل وارد آسیای صغیر شد (۳۳۴ قبل از میلاد). اسکندر پس از تصرف شهرهای ساحلی ایران، مصر و بین‌النهرین و شهر بابل تا سند پیش رفت و به روایتی ۱۵ شهر را با خاک یکسان کرده یا به آتش کشیده است. پس از اسکندر، یکی از جانشینان او به نام سلوکوس سلسله سلوکیه را در ایران تأسیس کرد (۳۱۲ قبل از میلاد) و مدت ۸۰ سال بر ایران حکومت کردند. **تسخیر ایران توسط اسکندر اختلاط اجتماعی - فرهنگی تازه‌ای از ملت‌های کاملاً متفاوت را سبب گردید.** این پیروزی، امتزاج در فلسفه شرقی و غربی را موجب شد که یکی بر مبنای استبداد پدرسالاری - دودمانی و دیگری نتیجه نوعی مردم‌سالاری اشرافی بود.

تعدادی از این شهرها در طول جاده بزرگ و مهمی که سلوکیه را در ساحل دجله به بلخ مرتبط می‌کرد ایجاد شدند. در طول ساحل خلیج فارس در حدود ۹ شهر از جمله انطاکیه پارس (بوشهر کنونی) را احداث کرد. شهرهایی هم در ماد (نهبوند)، کرهه (نزدیک اراک) و شهری به نام نسا در پارت ساخته شد. هگمتانه مرمت و احیا گردید و رگای قدیم (ری حومه تهران) به نام اروپوس خوانده شد. بنای شهرهایی موسوم به «ستیرا»، «کال لیوپ»، «خاریس»، «هکتامپی لس» (صد دروازه) و «آخه‌آ» را نیز به سلوکیان نسبت داده‌اند. **در حقیقت ایجاد حلقه اجتماعی طرفدار سلوکیان، تأمین امنیت نواحی و توسعه داد و ستد و ارتباط تجاری از اهداف عمده ایجاد شهرهای سلوکی بود.**

حکومت اشکانیان را می‌توان نوعی حکومت مشروطه ناقص دانست که دو مجلس داشت. اداره کشور به صورت ملوک‌الطوایفی بود. اشکانیان از لحاظ تمدن و فرهنگ به درجه پارسیان دوره هخامنشی نمی‌رسند. آنها تا ۲۲۴ میلادی حکومت کردند. از آثار باقی‌مانده چنین برمی‌آید که پارتیان به شهرسازی و شهرنشینی علاقه خاصی داشته‌اند و نشان آن شهرهایی چون تیسفون، هترا، دارابگرد، فیروزآباد و مانند آن است که در روزگار آنان بنا شده و آباد گردیده است.

طرح عمومی اکثر شهرهای دوره اشکانی دایره‌ای شکل بود که در وسط کهن‌دژ شامل کاخ شاهی، مراکز اداری، نظامی، مذهبی که در حصار بلند بودند، قرار داشتند. سپس اقامتگاه نزدیکان و فرمانروایان دولتی و روحانیون و بالاخره محلات شهری، مکان پیشه‌وران و خرده‌مالکین بود که آنها نیز درون بارویی قرار می‌گرفتند و بالاخره حومه کشاورزان قرار داشت. **نظم داخلی شهرها شطرنجی بود.** شبکه شهری این دوره طبق اطلس تاریخی ایران (۱۳۵۰) شامل مراکز و شهرهای رگ یا رگا (ری)، خوارینه، زاگراکرت، شوش، میشان، بابل، تیسفون، سلوکیه، هاترا - گابه، دوراوروبوس، اربل، نصیبین، حران، ادس، ارناگزان، هگمتانه و ... می‌شده است.

دوره ساسانیان آغاز امپراتوری بزرگ با حکومت مستبد متمرکز است که از ویژگی‌های آن تمایز مطلق طبقات اجتماعی و پیدایش نظام کاستی است. شهرسازی در عهد ساسانیان نیز مورد اعتنای خاص بود.

شهرهای بسیاری به نام پادشاهان ساخته شد که از آن جمله می‌توان شهرهای گندی‌شاپور، نیشابور، دارابگرد، رامهرمز و مانند آنها را نام برد. بنیاد ده شهر به نام‌های اردشیر خره، به‌اردشیر، بهمن اردشیر، اشأ اردشیر، رام اردشیر، رامهرمز اردشیر، هرمز اردشیر، بور اردشیر و هشت اردشیر و بتن اردشیر را به اردشیر نسبت می‌دهند. بنای تعدادی از شهرها نیز به شاپور نسبت داده شده است که عبارتند از: شاپور، نیشابور، بدان اندیو شاپور، شاپورخواست، بلاش شاپور و پوشنگ و شهرهایی را هم به قباد نسبت داده‌اند، مانند ارجان (برقباد)، حلوان (ماهات)، قباد خره، شهر زور و شهر قبادش. مسلماً روند احداث شهر توسط پادشاه همواره آهنگ ثابت و یکنواختی نداشته است.

در دوره ساسانیان برخلاف دوره‌های قبل تعصبات مذهبی افزایش یافت و تعداد بسیاری آتشکده ساخته شد که مهم‌ترین آنها در شهرها ساخته شد که در مواردی خود موجب پیدایش و توسعه شهرهای بزرگ گردید. سه آتشکده معروف آذرگشنسب، آذر فرنبغ و آذر برزین مهر به ترتیب در سه شهر بزرگ شیز (در تخت سلیمان)، کاریان (فارس) و ریوند نیشابور ساخته شدند.

مصنوعات نقره، پارچه‌های ابریشمی و ... از محصولات معروف کشور بود. پیشه‌وران در شهرها فعالیت زیادی داشتند و هر رشته صنف ویژه‌ای داشت. از ویژگی‌های مهم شهرهای این عصر وجود بازار مجهز در آنها بود که عنوان وازاربد گویای وجود این عنصر مهم می‌باشد.

نظام شهری بر پایه نهادهای مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گرفت و طبقات چهارگانه موبدان، لشکریان و دبیران و پزشکان، و دهقانان و صنعتگران در ساختار اجتماعی شهرها به وجود آمدند.

شهرهای این دوره طبق اطلس تاریخی ایران عبارتند از: استخر، دارابگرد، بابل، تیسفون، یزد، کرمان، طوس، کومش، دینور، کرمانشاهان، اردبیل، مراغه، اردشیر، هاترا و ...

به هر حال پیدایش حکومت مقتدر مرکزی، روابط بازرگانی با چین، هند، شبه‌جزیره عربستان و شمال شرق آفریقا و نظام کاستی در توسعه اقتصادی شهر مؤثر واقع شد.

کالبد شهرها شامل کهن‌دژ و بخش نظامی بود که هسته اولیه را تشکیل می‌داد و در اطراف آن محلات یا قسمت اصلی شهر (شارستان یا شهرستان) قرار داشت که به وسیله حصار محصور و از کهن‌دژ جدا می‌شد و بخش بیرونی به نام حومه یا سواد خوانده می‌شد که شامل مزارع کشاورزی و باغات بود. در ایران، اداره امور کشور در زمان‌های گذشته نیازمند به یک قدرت متمرکز بوده که این قدرت‌ها به صورت سلسله‌های پادشاهی بروز می‌کردند. تاریخ کهن ایران به وسیله ایرانیان مغرب و جنوب یعنی دسته‌ای شروع می‌شود که از کوه‌های قفقاز به ایران آمده و مدت‌ها فرمانبردار دولت آشور بودند. این قبایل که نفوذ و قدرتشان از دیگر قبایل آریایی بیشتر بوده، به تدریج بر نواحی تحت سلطه خود احاطه پیدا کردند؛ ایالاتی که از ری شروع می‌شد و به سمت غرب تا ارتفاعات زاگرس و به سمت شمال و شمال غرب تا نواحی رود کورا (کوروش) ادامه داشته است. این همان ناحیه‌ای است که به سرزمین ماد بزرگ معروف است و بزرگ‌ترین شهر آن هگمتانه بود که آشوریان آمانا نامند و امروزه شهر همدان در مجاورت و روی خرابه‌های باستانی آن استقرار یافته است.

کج مثال ۱: از ویژگی‌های مهم شهرهای کدام دوره وجود بازار مجهز در آن بود؟

(۴) سلوکیان

(۳) هخامنشیان

(۲) ساسانیان

(۱) اشکانیان

پاسخ: گزینه «۲» از ویژگی‌های مهم شهرهای عصر ساسانی وجود بازار مجهز در آنها بود که عنوان «بازار بد» یا «بازار بد» گویای این عنصر مهم می‌باشد. در این دوره، نظام شهری بر پایه نهادهای مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شکل گرفت و طبقات چهارگانه موبدان، لشکریان، دبیران و پزشکان، دهقانان و صنعتگران در ساختار اجتماعی شهرها به وجود آمدند.

سیر تحول شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی

فرایند شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در ایران در سه دوره کلی به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱- سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی قبل از اسلام؛ تولد و شکل‌گیری شار:

الف) ساخت و بافت شهر از قرن نهم ق.م تا قرن چهارم ق.م: سبک پارسی نشئت‌گرفته از تمدن بین‌النهرین، شکل‌گرفته در سرزمین ماد و سازمان‌یافته در سرزمین پارس، شهر و یا شار مادی و پارسی، حکومت‌های هخامنشی تا زمان حمله اسکندر، دگرگونی مفاهیم.

ب) ساخت و بافت شار و یا شهر در قرن سوم ق.م: تلفیق و در هم آمیختگی شار پارسی با دولت - شهر یونانی، شکل‌گیری شهر پارسی - هلنی و اختلاط نظری و عملی در نحوه تفکر و نگرش به جهان.

ج) ساخت و سازمان شار از اواخر قرن سوم ق.م تا قرن هفتم میلادی (یکم هجری): در این دوران با بالندگی مفهوم شار، سازمان‌یافتگی کامل آن، ابداع و سازماندهی مجدد مفهوم شار در سرزمین پارت و اشاعه آن در سرزمین‌هایی روبه‌رو هستیم که بعدها پارسیان بر آن حکومت کردند. سبک پارتی، حکومت‌های اشکانی و ساسانی را شامل می‌باشد.



۲- دگرگونی مفاهیم، سیر تحول شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی بعد از اسلام، ابداع مجدد مفهوم در دوران اسلامی: (الف) ساخت و سازمان شهر از قرن یکم هـ. ق. (۷ تا ۱۱ میلادی): تولد مفهوم جدیدی از شار با توجه به دگرگونی‌هایی که در نحوه نگرش به جهان صورت پذیرفته است. در این دوران با ارتقا و تحول سبک پارتی در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ روبه‌رو هستیم. تولد سبک خراسانی در همه زمینه‌های ادبی و هنری، سازمان‌یابی، شارهای دوران اولیه اسلامی، ظهور و دگرگونی مفاهیم نظریه‌ای و نوگرایی و نواندیشی و تجدید هیئت علمی و ادبی ایران دوره اسلامی در قرن چهارم هجری قمری (۱۱ میلادی) و ظهور دیلمان از خصیصه‌های این دوران است.

(ب) ساخت و بافت شار یا شهر از قرن چهارم هـ. ق. تا قرن هفتم هـ. ق. (۱۱ تا ۱۴ میلادی): اوج تجدید حیات علمی و ادبی و هنری در دو قرن نخستین دوره، تولد سبک رازی در معماری و ادبیات و دیگر هنرها و اشاعه آن به دیگر سرزمین‌ها. گذار از شار آزاد و آزاداندیش دوران دیالمه به شار قدرتمند و یکسونگر حکومت‌های سلجوقی و خوارزمشاهی.

(ج) ساخت و سازمان شار از قرن هفتم تا قرن یازدهم هـ. ق. (۱۴ تا ۱۷ میلادی): حسیض و از میان رفتن مفهوم و نسبت شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در آغاز این دوره و ابداع مجدد آن در پایان دوره، سازماندهی مجدد شهر تبریز و ایجاد نوشهرهای آذری، تولد و شکل‌گیری سبک آذری در ادبیات، هنر و معماری شهر در دوران ایلخانیان، اتابکان، ترکمان و گورکانیان.

(د) ساخت و بافت شهر از قرن یازدهم هجری قمری تا شروع قرن سیزدهم هجری قمری (۱۷ تا ۱۸ میلادی): ابداع مجدد مفهوم شار، اعتلا و ارتقای مفهوم، تولد مکتب اصفهان در هنرها، معماری و شهرسازی، سازماندهی فضایی مفهوم شار در قرن نخستین (قرن یازدهم هـ. ق.) و انحطاط و سقوط آن در قرن بعدی (قرن دوازدهم هـ. ق. یا ۱۸ میلادی).

۳- سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در دوران معاصر، ابداع و باز ابداع مفهوم شهر، تولد مفهوم شهر و قلب ماهیت مفهوم شار (الف) دگرگونی در نحوه نگرش به مفهوم شار، پیدایش مفهوم شهر، پیدایش سبک هندی و گسترش آن به دیگر عرصه‌های هنری، نطفه‌بندی و تولد سبک تهران در معماری و شهرسازی در اواسط حکومت قاجار (دوران ناصری) و ادامه آن تا کودتای ۱۲۹۹ هـ. ش، دگرگونی مفاهیم و روش‌ها در تولید و بازتولید و سرانجام در نحوه تفکر به جهان.

(ب) شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در مفهوم جدید آن از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی (۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵ میلادی): شکل‌گیری الگوی تهران متأثر از سبک بین‌الملل اشاعه‌یافته از سوی جنبش نوگرایی جهانی و انعکاس الگوی تهران در معماری و شهرسازی. تهران از این پس نه به عنوان یک سبک، بلکه به عنوان الگو مطرح می‌شود.

(ج) شهرگرایی و شهرسازی از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۵۷ هـ. ش. (۱۹۴۱ تا ۱۹۷۹ میلادی): اشاعه الگوی تهران در شهرسازی و معماری، مسأله شدن مفهوم شهر و سازمان فضایی آن، پیدایش نخستین طرح‌های برنامه‌ریزی شده و دگرگونی در شکل.

شهر و شهرنشینی در دوره باستان (پیش از اسلام)

تمدن و فرهنگ شهرنشینی در ایران یک تمدن قدیمی و پرسابقه است که در تمام فلات ایران توسعه و گسترش داشته است. این تمدن با عوامل فرهنگ شهرنشینی بین‌النهرین که مکان اولین پیدایش شهرنشینی مستقل با ویژگی‌های خاص آن ناحیه به حساب می‌آید، اشتراک یافته و از مظاهر فرهنگی آن برخوردار بوده است. آغاز شهرنشینی در ایران را باید حدود سه هزار سال قبل از میلاد برشمرد. در این زمان، در جنوب غربی ایران شهر شوش پدیدار شد که به حکومت و تمدن ایران تعلق داشت و تا قلب ایران نیز نفوذ داشت. با مهاجرت آریاییان به ایران در نیمه هزاره دوم قبل از میلاد، تدریجاً شهرهای ایران پدیدار شدند؛ مثلاً بنا به تحقیق گریشمن، دهکده ماقبل تاریخ سیلک کاشان به شهری مستحکم تبدیل شد.

اصولاً شهرهای اولیه که غالباً جنبه سیاسی و نظامی هم داشتند، ناگزیر بودند که در منطقه حاصل‌خیز قرار گیرند و با اتکا بر اقتصاد روستایی و کشاورزی ادامه حیات دهند. همچنین مقر اولیه شهرها در فلات ایران، که در آنجا شهرهای ایرانی پایه‌گذاری شدند، با منابع آب پیوستگی و وابستگی نزدیکی داشت و نقشه شهرها با آن ترسیم می‌شد. شهرهای ایرانی به طور وسیعی روی جلگه‌های پاکوهی و وابسته به منابع آب به وجود آمدند و هیچ‌یک از آن‌ها ویژگی‌های مکانی شهرهای مدیترانه‌ای - یونانی را نداشتند که جایگاه آن‌ها بر نواحی مرتفع استوار بود.

علی‌رغم پیدایش و توسعه شهرها در اطراف کاخ‌های پادشاهان و آتشکده‌ها، که به طور عمودی در نواحی مرتفع با برج و باروهای پی‌درپی ساخته می‌شدند، تکوین و پراکندگی شهرهای دفاعی که بر تپه‌های مرتفع به وجود می‌آمدند، در ایران پا نگرفته است. با این همه در آغاز هزاره اول قبل از میلاد (قرون دهم تا هشتم) بدون شک در ارتباط با گسترش مهاجرت‌های بزرگ اقوام آسیای مرکزی به داخل فلات ایران و عدم امنیت‌های ناشی از آن، شاهد شهرهایی از نوع شهرهای مرتفع مثل سیلک در نزدیکی کاشان در دوره ماد و مسجده سلیمان می‌باشیم که روی آن‌ها کاخ‌های پادشاهان بنا شده بود. این شیوه در دوره پارت‌ها نیز استمرار یافت، ولی ایجاد خانه‌ها در بلندی‌ها که اصطلاحاً «شارستان» نامیده می‌شود، دیده نشده است.

با این همه، لزوم ایجاد شهر در نزدیکی منابع آب خیلی سریع جلوه‌گر شد و شهرهای جلگه‌ای و پایکوهی بدون محصور شدن در حصارها به صورت باز و گسترده در محل به وجود آمدند و به دنبال آن دژهای مرتفع از اهمیت افتادند. بدون شک این روند سریع نبوده است. این تحول در یک دوره بیش از ده قرن ادامه یافت و به موازات پیشرفت‌ها و توسعه فضایی، کشاورزی آبی و سرانجام فناوری قنات در سطح فلات ایران از غرب به شرق توسعه یافته است. از آنجایی که اقتصاد تولیدی کشور در زمان ساسانیان نیز بر پایه کشاورزی استوار بوده است، به نظر می‌رسد که این امر مفهوم خاص خود را در این دوره پیدا کرد که دوره صلح و آرامش و رشد شهرنشینی بوده است. شهرهایی که در این دوره ایجاد شده‌اند، بیشتر جلگه‌ای هستند و به منابع آب وابسته‌اند و از این تاریخ به بعد است که چهره عمومی شهرهای ایران کاملاً ثابت باقی مانده است.

شهرنشینی در ایران تفاوت‌های دیگری را نیز با شهرنشینی اطراف مدیترانه نشان می‌داد. شهرهای اطراف مدیترانه از ویژگی‌های خاصی برخوردار بودند و از فلسفه خاصی تبعیت می‌کردند. نظام شهری در مدیترانه مبتنی بر نوعی مردم‌سالاری اشرافی بود که اکثراً بقا و توسعه آن‌ها مدیون موقعیت تجاری آن‌ها بود. این شهرها در خشکی زیاد قوی نبودند و موقعیت ناحیه‌ای مناسبی از نظر ذخیره آذوقه غذایی نداشتند؛ در حالی که شهرهای ایران دارای موقعیت ناحیه‌ای و سرزمینی با تولیدات کشاورزی به همراه معیشت گلهداری و حکومت استبدادی پدرسالاری و امپراطوری دودمانی با نظامی کاستی بودند که با دولت‌شهرهای مدیترانه‌ای تفاوت داشت که در آن‌ها برتری حقوقی خاص شهروندان بر نواحی پیرامونی سرزمین‌های اطراف حکم‌فرما بود.

کج مثال ۲: تولد و شکل‌گیری «شار» در ایران به کدام دوره برمی‌گردد؟

- (۱) قبل از اسلام (۲) بعد از اسلام (۳) دوران صفویه و بعد از آن (۴) قبل از میلاد

پاسخ: گزینه «۱» از عمده‌ترین موارد شهرسازی دوران قبل از اسلام باید به شکل‌گیری و تولد شار در ایران اشاره کرد.

شهرنشینی و روستانشینی در دوران ماد

در سرزمین مادها آن دسته از سران قبایل که نفوذ بیشتری داشته و اداره محلی و قومی ناحیه تحت سلطه خود را عهده‌دار بودند، اقدام به ایجاد دژها و قلعه‌های مستحکم نمودند و با ایجاد تجهیزات دفاعی در برابر دشمن مانع از سلطه آنان بر خود می‌شدند. از آنجایی که قبایل مختلف مادی به تنهایی قادر به حفظ و حراست سرزمین‌های تحت نفوذ خود نبودند، بقای پایداری و دوام خود را در گرو اتحاد قبیله‌ای و قومی حس می‌کردند. توسعه کشاورزی، تعالی صنایع فلزی و سفال‌سازی، بهره‌برداری از امکانات طبیعی، پرورش اسب و بهره‌گیری از نیروی گاو در مراکز روستایی نیز از جمله عواملی بودند که به تحکیم دولت ماد می‌افزود. ایجاد ارتباط بین مراکز شهری و روستایی در این دوره موجب رونق اقتصادی زیادتری در زمینه‌های کشاورزی و تجاری دولت ماد می‌شد.

نکته ۳: در عصر مادها، تشکیلات اجتماعی و روابط مختلف شهری - روستایی متکی به زمین بود و شهرهای دوران ماد با اتکا به روستاها رونق می‌یافتند. پیدایش شهر هگمتانه به معنی محل اقتصادی و به عنوان الگو و سمبل همبستگی و اتحاد قومی به صورت دژی مستحکم، یکی از مهم‌ترین کانون‌های شهری و مرکز حکومت ماد بوده است.

وجود این قبایل دژهای مستحکم به صورت محلی و ناحیه‌ای نه تنها مراکز سیاسی و اجتماعی مادها به شمار می‌آیند، بلکه به لحاظ اینکه مقرر فرمانروایان مادی نیز می‌باشند به عنوان نقاط تمرکز ثروت نیز محسوب می‌شوند.

شهرهای مادی روی تپه‌ها و نقاط بلند طبیعی و گاه تپه‌های مصنوعی ساخته می‌شدند. برج و باروی این شهرها بسیار مستحکم بوده است، طوری که کاخ و بناهای مسکونی نزدیکان و مهربان شاه و یا حاکمان محلی را محافظت می‌کرده است. فضاها مسکونی عوام و دیگر طبقات اجتماعی در اطراف آن قرار داشتند و ساکنان شهر و روستاهای مجاور دژها به هنگام خطر حمله و تهاجم دشمن درون دژ پناه می‌بردند.

در ایران مفهوم دژ و دژ، موضع‌های جغرافیایی مهمی به شمار می‌آیند که به طور طبیعی برای هدف‌های نظامی مورد استفاده بودند و چه بسا قلعه‌ها و برج‌ها را به همین منظور ساخته‌اند.

شهرهای دوره ماد بیشتر به اردوگاه‌های قبایل شبیه بوده است، ولی شهرهای مادی با شکل و ساخت قلعه‌ای در اولین مراحل ایجاد و پیدایش خود به عنوان مراکز دفاعی محسوب می‌شدند و نقش اردوگاه‌های نظامی را ایفا می‌کردند.

روی هم رفته، شهرنشینی و روستانشینی در دوران ماد به لحاظ عدم ثبات سیاسی مداوم رونق چندانی نداشت، از لحاظ اقتصادی نیز شهرهای مادی با بهره‌گیری از روستاها توسعه می‌یافتند، ولی در مجموع حکومت ماد از نظر ساختار اقتصادی یک حکومت مصرف‌کننده بود تا حکومت تولیدکننده. به لحاظ اینکه این دولت بیشترین فعالیت‌های دوران حکومتی خود را به جنگ و دفاع گذراند که تداوم مقابله با دشمنان را در پی داشت، شاهان ماد کمتر به ایجاد شهرهای تازه و یا توجه به روستاها تمایل نشان می‌دادند؛ در نتیجه پدیده شهرنشینی و روستانشینی رشدی آرام را طی می‌کرد.

شهرنشینی و روستانشینی در دوران هخامنشی

کوروش پسر کمبوجیه از قبیله پارس و از خاندان هخامنشی در سال ۵۵۰ قبل از میلاد هگمتانه مرکز حکومتی قوم ماد را به تصرف درآورد و رفته رفته ایالاتی را که به مادها تعلق داشت تسخیر کرد و با تشکیل دولت هخامنشی و انسجام بخشیدن به قبایل حاکم بر اراضی پهناوری که از جلگه سند و پنجاب و دامنه‌های غربی پامیر تا یونان و قرطاجنه (کارتاژ) وسعت داشت، تحولات اجتماعی عمیقی را موجب گردید. گرچه در این دوره شهرنشینی از رونق نسبی برخوردار بود، اکثریت مردم در روستاها زندگی می‌کردند و چون محصولات کشاورزی در آن زمان اصلی‌ترین منبع ثروت و منشأ قدرت اقتصادی در جامعه بود و از سوی دیگر، زمین‌داران مهم‌ترین پرداخت‌کننده مالیات‌ها بودند و باید مخارج لشکرکشی‌ها را تأمین می‌کردند، روستاییان مورد توجه خاص شاهان هخامنشی قرار داشتند.

در دوره هخامنشی به تولید محصولات کشاورزی در روستاها توجه بیشتری می‌شد و در این رابطه پادشاهان هخامنشی بازرسانی را به نقاط مختلف می‌فرستادند تا مزارع را مورد بررسی قرار دهند. توجه به امر کشاورزی برای مصارف شهری و سپاه و لشکریان هخامنشی باعث گردید که روش‌های جدید آبیاری، ایجاد کانال‌ها و سدسازی متداول گردد.

شهرها مراکز سکونت را تشکیل می‌دادند که مستقیماً از طرف شاه یا حکام برگزیده اداره می‌شدند. شهر مقر حکومت، محل تمرکز قدرت و صدور فرامین به حکام محلی در نقاط مختلف کشور بوده است. عظمت کاخ‌ها و بناهای موجود در شهرهای این دوره حاکی از قدرت شاه یا وابستگان او به عنوان قشر ممتاز و برتر جامعه است.

کلمه مثال ۳: شهر - معبد، شهر - قدرت و شهر - بازار از مفاهیم شهرهای است.

(۱) پارتی (۲) پارسی (۳) ساسانی (۴) هلنی

پاسخ: گزینه «۲» «شهر - معبد»، «شهر - قدرت» و «شهر - بازار» از مهم‌ترین ویژگی‌های شهری در دوران پارسی است.

ارگ سلطنتی در مرکز شهر و در مجاورت آن بناهای متعلق به خواص و نزدیکان شاه و اشراف قرار داشت. فضای داخلی ارگ به اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شد. پادگان نیز به عنوان نیروی نظامی و قراولان پادشاه در ارگ جای داشت، آثار سربازخانه در شهرهایی چون تخت جمشید (پرسپولیس) بیانگر این واقعیت است. زندگی در شهرهای هخامنشی مترادف با جدایی از کار تولید کشاورزی بوده است. در این بین جامعه روستایی نیز تأمین مواد غذایی شهرها و سربازانی را برعهده داشت که به طور دائم در ارتش هخامنشی خدمت می‌کردند. کنترل جوامع روستایی نیز توسط وابستگان و یا نمایندگان شاه صورت می‌گرفت که دریافت مالیات، تهیه ساز و برگ جنگی و اجرای فرامین شاه را نیز انجام می‌دادند و خود اراضی و املاک بزرگی را به رسم تیول از شاه دریافت می‌کردند. بدین ترتیب، تیول‌داری یکی از قدیمی‌ترین اشکال ارتباط میان عناصر حکومتی شهری با جوامع روستایی بوده است؛ بنابراین در عصر هخامنشی اراضی مستعد کشاورزی در اختیار مأموران و لشکریان وابسته به شاه بودند که علاوه بر کشاورزان بومی، توسط غلامانی که بر اثر فتوحات با خود به همراه می‌آوردند کاشت می‌شد.

کلمه نکته ۴: اولین هسته‌های شکل‌گیری شهرهای هخامنشی بر مبنای طبقاتی بود که بیشتر خصوصیت کشاورزی - نظامی داشته است.

به وجود آمدن جاده‌های نظامی و استراتژیکی که نقش تجاری را نیز بر عهده داشتند توسعه بازرگانی را سبب می‌شد که این راه‌ها قدرت و اهمیت خاصی از لحاظ ارتباطات خارجی به شهر می‌داد. عوارض عبور و حمل کالا از شهرها و تشدید روند مبادله برای حکومت‌های محلی و مرکزی یک منبع درآمد به شمار می‌آمد. از مهم‌ترین راه‌های این دوره می‌توان از جاده شاهی نام برد که از شوش تا شهر سارد پایتخت لیدی ادامه داشت و دارای بیش از ۱۰۰ مرکز چاپاری بود و در مدت ۹۰ روز طی می‌شد.

به جریان افتادن سکه در امور تجاری و تبادل و مبادله کالا در کنار معیشت دامداری و کشاورزی پدیده شهرنشینی را به وجود آورد. آنچه موجب رونق و گسترش شهرها می‌شد، موقع عمومی و شرایط حاکم بر آن بود.

ثبات سیاسی در این دوره که گسترش راه‌های کاروان‌رو از جمله جاده شاهی را سبب شده است، موجب توجه زیاد به توسعه کیفی مناسبات تولیدی شد و امر تجارت را رونق بخشید. گسترش شهرنشینی نسبت به زمان مادها بیشتر و دارای دوام و قوام بهتری بوده است.

کلمه مثال ۴: نخستین نطفه تقسیمات کالبدی فضای شهر بر مبنای طبقات اجتماعی در چه دوره‌ای بسته شد؟

(۱) ماد (۲) هخامنشی (۳) اشکانیان (۴) ساسانیان

پاسخ: گزینه «۲» نخستین نطفه تقسیمات کالبدی فضای شهر بر مبنای طبقات اجتماعی در شهرهای هخامنشی بسته شد و این امر از آنجا ناشی می‌شود که ملل مختلفی که اغلب از هخامنشیان پیشرفته‌تر و ثروتمندتر بودند، در امپراطوری هخامنشی گرد می‌آمدند و تحول و توسعه صنایع دستی و تجارت نتیجه چنین اختلاطی بود.

شهرنشینی و روستانشینی در دوران سلوکیان

ورود یونانیان به ایران منجر به اختلاط فرهنگی و اجتماعی و موجب ترقی و رونق مبادلات بازرگانی میان شرق و غرب شد و تماس متقابل دو تمدن شرقی و یونانی تأثیر عمده‌ای در زمینه‌های مختلف برجای نهاد؛ زیرا سلوکیان وارث تمدن هخامنشی و میراث آنان شدند و از طرف دیگر تمدن هلن‌سیتی را به ایران وارد کردند. پیدایش شهرهای جدید را می‌توان نتیجه چنین برخوردهایی دانست.

نکته ۵: احمد اشرف شهرنشینی در دوره سلوکی را دوره تجربه بزرگ تاریخی و بنیان‌گذاری شهرهای خودفرمان یا دولت‌شهرهای هلنی دانست. جامعه شهرنشینان سلوکی شامل تعدادی از مقامات عالی‌رتبه دولتی، اطرافیان و بستگان شاه، کارگزاران و عمال ادارات دولتی و ساخلوها بودند که وظیفه اداره کردن پایتخت‌ها و قلعه‌ها را به عهده داشتند و در جنب املاک بزرگ ایرانیان نیز اراضی فئودال‌های یونانی قرار داشت که خود نیز در مجاورت دهکده‌های روستاییان ایرانی اقامت داشتند و موجب می‌شد که به سکنه قدیم اشرافیتی جدید و بورژوا افزوده شود؛ این عده عبارت بودند از مهاجران مقدونیه و یونانی، فلاسفه، بازرگانان و تجاری که در همجواری و همزیستی با ایرانیان روابطی نیکو داشتند.

مکان‌یابی شهرها بعضاً متکی به پس‌کرانه‌های زراعی آنها بود، به طوری که شهر در محل خالی از اراضی مزروعی بنا نمی‌شد و شهرها اراضی وسیعی در اختیار داشتند. نواحی حاصلخیزی که به صورت مثلثی بین کرمانشاه، همدان و بروجرد واقع شده بود بسیار مورد توجه آنان بود که روی آنها برده و رعیت کار می‌کرد و شالوده اقتصادی این شهرها برده‌داری بوده است. دولت مرکزی به دلیل دریافت مالیات از دخالت در امر مالکیت شهروندان برده‌دار خودداری می‌کرد و بدین ترتیب حاکمان شهرها علاوه بر بهره‌کشی از اراضی شاهی و نظارت سیاسی بر آنها، با دریافت مالیات و تحویل آن به خزانه دولتی موجب تقویت و نیرومندی شاهان سلوکی می‌شدند و در مقابل، حکومت مرکزی نیز امنیت جاده‌های تجاری را تأمین می‌کردند. **به کار بردن سیاست‌های ناهمگون در جوامع شهری و روستایی موجب بروز تضاد زندگی شهری و روستایی می‌شد.**

سلوکیان ضمن اینکه شهرهای خود را در مجاورت قلاع بنا می‌کردند، حصاری نیز به دور آن می‌کشیدند و در میان آن اقدام به ساختن بناهای دولتی و عمومی می‌کردند. شهرسازی طبق نقشه‌ای معین بیشتر به طرح شطرنجی شباهت داشت و میدانی که معمولاً در هسته مرکزی شهر قرار داشت، مرکز اداری شهر و همچنین مرکز مبادلات تجاری محسوب می‌شد.

آنچه به لحاظ دیگر به رونق و گسترش شهرنشینی در دوره سلوکیان می‌افزود، راه‌های ارتباطی بود که نقش مهمی را در توسعه اقتصادی و تجاری به عهده داشت. جاده هزار ساله که از کرمانشاه - همدان می‌گذشت، ساخته شد که یکی از راه‌های مهم این دوره بود و از خلیج فارس آغاز و در مسیر خود به سلوکیه، سوریه و کرانه‌های فنیقیه وارد می‌شد و از آنجا به یونان می‌رسید و در حوزه داد و ستد وارد مبادله تجاری می‌شد. در قرن اول و دوم پیش از میلاد، راه بازرگانی به چین اهمیت یافت و کالا از طریق چین و مرو، صد دروازه، اکباتان و سلوکیه حمل می‌شد و در مسیر راه‌های ارتباطی شهرهای جدیدی استقرار یافتند، از جمله انطاکیه (بوشهر امروز) در ساحل خلیج فارس، لائودییه (نهایند امروزی)، شهر نشاء، الکساندر پولیس در پارت که یکی از نخستین پایتخت‌های آنان محسوب می‌شد، شهر صد دروازه (هکتامپی لس) و شهرهای دیگری از جمله هگمتانه بازسازی و مرمت شد. جاده ابریشم مهم‌ترین راه‌های تجاری میان شرق و غرب بود و از شانگهای چین آغاز و پس از گذشتن از ترکستان، مرو، صد دروازه، ری، هگمتانه و انطاکیه به مدیترانه می‌رسید. در دوره سلوکیان، ایجاد شهرها و دهکده‌های مستحکم، ترقی کشاورزی و افزایش صنوعات و تمرکز حیات اجتماعی در مجاورت آتشفشان‌ها رونق داشته است.

مثال ۵: احداث انطاکیه پارس (بوشهر کنونی) به کدام دوره نسبت داده می‌شود؟

(۴) ساسانی

(۳) سلوکی

(۲) هخامنشی

(۱) مادها

پاسخ: گزینه «۳» به طور کلی معتقدند که سلوکیان نزدیک به ۴۰۰ شهر در ایران بنا نهادند که اغلب در جوار قلعه‌های نظامی موجود شکل گرفتند. تعدادی از این شهرها در طول جاده بزرگ و مهمی که سلوکیه را در ساحل دجله به بلخ متصل می‌کرد، ایجاد شدند. سلوکیان در طول ساحل خلیج فارس حدود ۹ شهر از جمله انطاکیه پارس (بوشهر کنونی) را احداث کردند.

شهرنشینی و روستانشینی در دوران اشکانیان

در سال ۲۵۶، اشک اول در سرزمین پرتو یعنی خراسان علم استقلال برافراشت و حکومت خاصی به وجود آورد که از اجتماع عده‌ای ملوک‌الطوایف پدید می‌آمد. اشکانیان مجموعه‌ای از قبایل سکایی بودند که به صورت چادرنشینی و شبانی در استپ‌های بحر خزر و دریای آرال زندگی می‌کردند و بنا به خصلت معیشتی که داشتند با حمله و شکست سلوکیان، شهرهای یونانی را از میان برداشتند و شیوه‌ای از شهرسازی و شهرنشینی سرزمین نیاکانی خود یعنی خراسان را جایگزین شهرهای یونانی ساختند. متراکم شدن ثروت و بازرگانی در شهرهای عمده، رشد و توسعه بیشتری را نسبت به دوره سلوکیان نشان می‌دهد. آنان شهرهای بزرگی را بنا نهادند که می‌توان از دارابگرد، گور (فیروزآباد) در جنوب شیراز، تیسفون و هترا در بین‌النهرین که جنبه نظامی داشت نام برد. طرح عمومی



این شهرها به صورت دایره‌ای بود که ارگ و کاخ سلطنتی در مرکز آن قرار داشت و مراکز اداری، سربازخانه‌ها، انبارها و خزاین و بعد از آن اقامتگاه نزدیکان فرمانروا، صاحب منصبان و مأموران دولتی، مغان و روحانیان قرار داشت و در محلات شهری، پیشه‌وران و خرده‌مالکین اقامت داشتند. شهر تیسفون در ابتدا اردوگاه نظامی اشکانیان بود که مقابل شهر سلوکیه در کنار دجله بنا شد.

هترا به منزله قلعه‌ای مستحکم در جوار سرحد بین دو دولت به شمار می‌آمد و ایرانیان با اتکا به آن با رومیان می‌جنگیدند و اردشیر شهر گور را با طرحی مدور و مستحکم بنا نمود. راه‌های تجاری معروف این دوره به نام راه شاهی و ابریشم معروف بودند.

در این دوره ایران تنها راه و مسیر ارتباطی مراکز مهمی چون رم، یونان، آسیای صغیر، مصر، شامات، بین‌النهرین از طرف غرب، چین، هند و آسیای میانه از طرف شرق بود. در مسیر ارتباطی این راه‌ها کاروانسراهای مجهزی به فاصله ۳ تا ۶ فرسنگ جهت رفاه تجار و مسافران احداث شده بود و تجار ایرانی محصولات چوبی، چهارپایان، پرندگان، برنج، ادویه، زعفران، سنگ‌های قیمتی، قیر و روغن معدنی به آنجا می‌بردند و در مقابل، اشیائی از نوع شیشه، ظروف سفالی، رنگ ارغوانی به ایران وارد می‌کردند. فولاد چین و هند نیز که به سوریه و بین‌النهرین صادر می‌شد از طریق ایران می‌گذشت و دولت اشکانی با دریافت حقوق گمرکی از کاروانیان و تجار بیگانه به رونق اقتصادی خود می‌افزود و علاقه‌مندی پادشاهان اشکانی به رونق بخشیدن به امر تجاری و بازرگانی موجب توسعه صنایع دستی و تولید کالاهای ساده در شهرها می‌شد و با رواج پول به امر دادوستد کمک می‌کرد. بدین جهت، پارتیان شهرهای خود را در مکان‌هایی بنا می‌کردند که شرایط لازم را برای ادامه حیات و بهره‌گیری از زمین‌های مستعد کشت و زرع دارا باشد و از طرفی مکان‌یابی فضایی آن بتواند آنان را در مقابل حملات دشمن نیز محفوظ بدارد و امنیت لازم را جهت برقراری آرامش و اسکان برقرار سازد؛ بنابراین موقع جغرافیایی جهت انتخاب مکان‌هایی که از اهمیت سوق‌الجیشی برخوردار باشند و حاصلخیزی اراضی پیرامون شهر و روستاهای مجاور آن برای تأمین منابع غذایی، نقش عمده‌ای را در مکان‌یابی شهرها ایفا می‌کند.

در اواخر حکومت اشکانیان، حکومت به صورت فئودالیسم درآمد و شکل‌های جدید بهره‌کشی را به همراه آورد، به طوری که به تدریج ملوک‌الطوایفی در نقاط مختلف کشور رواج یافت و حکومت مرکزی یارای مقابله با آن را نداشت و شهرهای خودمختار اشکانیان نیز قادر نبودند آنان را سرکوب نمایند. یکپارچگی و اتحاد میان حکومت‌های پراکنده ایرانی‌زبان در جهت مقابله با اشکانیان به همراه دستیابی و توسل به عامل مذهب و دیانت زرتشت انسجام نیرومندی به وجود آورد که منجر به تشکیل حکومتی واحد به نام ساسانیان شد.

کلمه مثال ۶: نظم داخلی شهرهای دوره اشکانی به چه شکلی بود؟

(۴) شطرنجی

(۳) ستاره‌ای

(۲) خطی

(۱) دایره‌ای

پاسخ: گزینه «۴» تعدادی از شهرهای اشکانی در آغاز برای مقاصد نظامی ساخته شدند و سپس در اثر توسعه به شهر تبدیل گشتند. طرح عمومی اکثر شهرهای دوره اشکانی دایره‌ای شکل بود که در وسط کهن‌دژ شامل کاخ شاهی، مراکز اداری، نظامی و مذهبی بود که در حصار بلند قرار داشتند. نظم داخلی این شهرها شطرنجی بوده است.

شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در دوران اسلامی

فتح ایران در قرن هفتم میلادی (حدود سال ۶۵۰) توسط مسلمانان که جهان‌بینی جدیدی مبتنی بر برابری را ارائه می‌دادند، عملاً با قیام شار بیرونی (ربض) علیه شار میانی (شارستان) و دژ حکومتی (کهن‌دژ) همراه می‌گردد. قیام ربض علیه شارستان و کهن‌دژ، در واقع قیام علیه نظام کاستی است که نزدیک به چهار قرن بر ایران آن روزگاران حکومت می‌کرد. این فتح عملاً به رهایی جامعه ایلی از قید دو جامعه روستایی و شهری می‌انجامد. فروپاشی سازمان شهری دولت ساسانی نیرویی را رها می‌کند که حدود چهار صد سال تحت قید این سازمان گرفتار آمده بود. جامعه ایلی که با رجعت سازمان دودمانی کهن خود و رهایی از قیودی که در عصر دولت ساسانی رخ می‌دهد، استقلال خود را از جامعه به هم پیوسته شهری و روستایی اعلام کرده بود، از این پس بر آن دارد که بر آنها استیلا یابد.

قرن هفتم میلادی قرن است که اسلام نه تنها به عنوان دین دستورالعمل‌های فقط و فقط مذهبی، بلکه به عنوان یک جهان‌بینی برای شکل بخشیدن به جامعه در شهر مکه تولد می‌یابد و در همان نخستین حرکت‌ها و تهاجم‌های خویش برای خروج از حجاز و پیشروی به سوی بین‌النهرین و از آنجا به ایران و رم شرقی، نخستین شهر خویش (کوفه) را در خارج از محدوده‌های حجاز بنا می‌کند.

شهر برده‌دار رمی، تجسم و تجسد کالبدی و فضایی جهان‌بینی برده‌داری است که برای مدتی طولانی تاریخ یونان و رم را به خود اختصاص داده است.

شارستان تبلور کالبدی فضایی تمامی تفاوت‌هایی است که سازمان اجتماعی مبتنی بر نظام کاست به آنها شکل بخشیده است. شارستان بیانگر همه فشارها و دشواری‌هایی است که از سوی دولت و دستگاه قاهر آن اعمال می‌شود؛ حال آنکه شهر دوران اسلامی مفاهیم دیگری را در خود دارد. این شهر چون شهر دوران ساسانی شهر- قدرت نیست، مکانی نیست که بیانگر حکومت قاهر مرکزی می‌باشد. در این شهر از زندگی دولت‌شهرهای یونانی و رومی نشانی نیست. شهر دوران اسلامی چون شهر قرون وسطایی نسبت به منطقه پیرامونش امتیازات خاصی ندارد؛ چون شهر از قوانین مدون جهان‌بینی اسلامی تبعیت می‌کند و در این قوانین امتیازات استثنایی برای مردمان وجود ندارد؛ در این قوانین فقط امت یعنی اجتماع مؤمنان، صرف‌نظر از مکان استقرار آنها، که به جهان‌بینی اسلامی اعتقاد دارند و در راه آن جهاد می‌کنند نسبت به دیگران دارای امتیازات خاص خود هستند. شهروند شهر دوران اسلامی چون روستایی و یا ایلیاتی به جهان‌بینی اسلامی معتقد است و فقط و فقط فرمانبردار احکام اسلامی، امام، خلیفه و یا نمایندگان آنها است.

شهر دوران اسلامی قبل از هر چیز یک قلعه ایمان است و از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی ناشی از شریعت هستند. از این رو، نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی - اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد و به معنایی هستی شهر را می‌سازد.

عوامل مشخصه شهر دوره اسلامی

الف) مسجد: با توجه به اینکه دولت اسلامی در شهر تولد می‌یابد و با توجه به اینکه تشکیل دولت برای اولین بار در مسجد صورت می‌گیرد، وجود مسجد جامع (مکانی که در آن نماز جماعت و نماز جمعه به عنوان بیان‌کننده وظایف و آرمان‌های دولت اسلامی به انجام می‌رسد) به یکی از مشخصات اصلی شهر و دوره اسلامی تبدیل می‌گردد. این امر تا آن حد اهمیت دارد که در دوران اولیه دولت اسلامی و قبل از تشکیل حکومت‌های محلی، سکونتگاهی به مقام شهر می‌رسد که صاحب مسجد جامع باشد. نخستین مکانی که هنگام فتح یک شهر ساخته می‌شود و یا معبد، آتشگاه و یا کلیسای بدان منظور تغییر شکل می‌یابد، مسجد جامع است. با بر پا شدن مسجد جامع، این مسجد کانون زیستی آن شهر تلقی می‌شود. مسجد مکانی است که مکان استقرار دولت اسلامی نیز می‌باشد.

ب) بازار: استقرار دولت اسلامی و تسلط آن بر کشورهایی با قوانین و مقررات تجاری بسی گسترده سبب می‌گردد تا این دولت از سویی از همه این مقررات و قوانین بهره برد و از سوی دیگر آن را با موازین شرعی هماهنگ کند. وجود **قرینه‌های از پیش موجود بازار و میدان در کشورهای مفتوحه، به این دو عنصر نقش اساسی در سازماندهی شهر دوره اسلامی می‌بخشد**، به گونه‌ای که با تقریبی نزدیک به یقین می‌توان از بازار و میدان به عنوان عناصر اصلی متشکله شهر دوره اسلامی یاد کرد. با توجه به سنت باقی‌مانده از شهر دوره ساسانی، بازار، شهر را درمی‌نوردد و از میدان اصلی شهر مقر حکومتی به سوی دیوار و بارو کشیده شده و سپس در ورای آن تا حدی معقول گسترش می‌یابد.

تغییر مهم در سازمان کالبدی بازار و تنظیم فضایی آن را وجود مسجد جامع ایجاد می‌کند. بازار به دور مسجد و مدرسه می‌چرخد و آن را دربرمی‌گیرد. نخستین بازار، بازار شمع‌فروشان و عطاران، مهر و تسبیح‌فروشان است که در محدوده بلافاصله مسجد جای می‌گیرد و پس از آن بازار کتاب‌فروشان، صرافان و چرم‌سازان و صحافان است که بر گرد مدرسه و یا مدارس قرار می‌گیرند. مدرسه معمولاً درهای خویش را در راسته‌های اصلی این بازارها می‌گشاید. پس از آن بازار پارچه‌فروشان یا قیصریه است که به دلیل اهمیت نساجی و نقش مهم اقتصادی آن پراهمیت‌ترین مرکز بازرگانی شهر است.

ج) محله: علی‌رغم آنکه در بدو تشکیل دولت اسلامی، ایجاد هرگونه قشر‌بندی اجتماعی بر مبنای قوم، نژاد، نسبت و ... نفی می‌گردد، هنگام تشکیل امپراطوری متمرکز و سپس غیرمتمرکز اسلامی، رجوع به سازمان اجتماعی کهن شهری در سرزمین‌های مفتوحه به سرعت انجام می‌پذیرد؛ گو اینکه دیگر از تشکیل محلات برحسب نظام کاستی یا شهروندی خاص خبری نیست، ولی در مقابل با ایجاد محلاتی برحسب قوم و قبیله، نژاد، مذهب، زبان، فرقه و ... مواجه هستیم.

در شکل‌گیری مفهوم جدید، شاهد ترکیبی از سه جامعه شهری، روستایی و ایلیاتی هستیم. به عبارت دیگر، برای اولین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی - لاقبل در محدوده سرزمین‌هایی که فرهنگ اسلامی - ایرانی در آنها جاری بود و تمدن پارسی در آنها ریشه داشت - با محلاتی از شهر روبه‌رو می‌شویم که ساکنان آن، یعنی جامعه شهری، پیوندی چندسویه و در هم تنیده با ساکنان روستاهای هم‌کیش، هم‌مذهب، هم‌زبان، هم‌قبیله و ... خود یعنی جامعه روستایی دارند و این جامعه نیز بلافاصله خود را به قوم و قبیله‌ای رجوع می‌دهد؛ به جامعه ایلی که معمولاً چندین روستا و در بسیاری موارد منطقه‌ای را در حیطه روابط تولیدی و فرهنگی خود دارد.

حضور مستقیم و ترکیبی این سه جامعه در محله، از آن طریق در شهر - با حضور مستقیم آنانی که در رأس هرم اجتماعی و از آن طریق قدرت - این سه جامعه جای دارند، در دولت اسلامی و حکومت محلی شدتی دو چندان می‌یابد. تقابل‌ها و تضادهای این عاملان برای کسب قدرت بیشتر در حکومت، عملاً در تقابل‌ها و تضادهای مملو از خشونت محلات شهری با یکدیگر بروز می‌کند. **وجود محلات در تضاد و در تقابل، از خصیصه‌های بازار شهر دوره اسلامی، صرف‌نظر از مکان آنها هستند.** محلاتی که هر یک مسجد، بازارچه، مدرسه، آب انبار، قنات، حمام و ... خاص خود را داشتند و حتی در مواقعی برای خود علاوه بر دروازه‌ای خاص که بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌ای نیز برای ورود به محله داشتند.

ارتباط محله با سازمان اجتماعی عشیره‌ای بسیار بیشتر از روابط آن با محلات مجاورش بود. چنین شکل‌گیری کالبدی که منبعت از تفاوت‌ها و گهگاه تضادهای شدید اجتماعی - فرهنگی است، مفهومی جدید از محله را سبب می‌گردد. محلات در ستیز متولد شدند و نقش تاریخی و سهمگین خود را در سراسر تاریخ بر فراز و نشیب شهر بازی خواهند کرد.


ساخت و بافت شار از قرن چهارم تا قرن هفتم هجری قمری (۱۱ تا ۱۴ میلادی)

گذار از شار آزاد و آزاداندیش دوران دیالمه به شار قدرتمند و قهار دوران سلجوقی و خوارزمشاهی:

قرن چهارم هجری قمری (۱۱ میلادی) مترادف است با اوج دگرگونی‌ها و تجدید حیات علمی و ادبی در ایران. دستیابی به این قله باعث شکل‌گیری تفکری مبتنی بر استقلال سیاسی - مذهبی از دولت مرکزی بغداد می‌گردد. این تفکر با به قدرت رسیدن دولت در خطه‌ای قوام یافته و با تشکیل دولت به تحقق قطعی می‌رسد. به قدرت رسیدن دولت به همراه تأکید بر آرمان‌های مذهبی - بومی، تحولی کلی در تمامی زمینه‌های هنری - ادبی، سیاسی - اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی - فضایی را نشان می‌دهد. بازگشت و ابداع مجدد مراسم کهن ایرانی در چارچوب نظریه‌ای مذهب شیعه در مقابله با نظریه‌های حاکم و غالب در دولت عباسی، تحولی کلی در همه زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی به وجود می‌آورد.

با مراجعه به دستاوردهای دولت سامانی در زمینه دگرگونی مفهوم شار، بقایای نظام کهن دژی - شارستانی در خطه میانی، جنوبی و جنوب غربی ایران از میان برداشته می‌شود. انقلاب فرهنگی در اوج خود به انقلاب شهری منجر شد و شهر با مراجعه به مفاهیم اولیه دژ اسلامی، به تمامی اقصای در طبقات مختلف متعلق می‌گردد. آزاداندیشی دولت بوبیان سبب می‌گردد تا آموزش نقش عمده‌ای یابد و مدرسه به عنوان یکی از عناصر پایداری شهر و شار در این دوران خودنمایی کند.

از دیگر دستاوردهای این قرن، شکوفایی انجمن‌های صنفی است

 نکته ۶: وجود انجمن‌های صنفی از قرن سوم هجری قمری در همه شهرهای دوره اسلامی حس می‌گردد.

نقشی که این انجمن‌ها در تقابل و یا توافق با دولت‌ها بازی می‌کنند، سبب می‌گردد که در اوج شکوفایی تجدید حیات علمی و ادبی کشور، یعنی در قرن چهارم هجری قمری، این انجمن‌ها گسترش یافته و سازماندهی گردند. هزاران نفر از مردمان شهری و روستایی در صنعت و پیشه‌ها به کار گرفته می‌شوند. تشکیل افزارمندان و صنعتگران براساس حرفه آغاز می‌شود و فعالیت‌های اصناف دامنه‌ای وسیع می‌یابد؛ اما این گستردگی و شکوفایی با آنچه در اروپای هم‌عصر آن (قرون وسطی) در جریان است، کاملاً متفاوت می‌باشد. مهم‌ترین تفاوت و بارزترین آن نقشی است که در همه ابزار و وسایل تولید مالکیت دارد. و این انجمن‌ها خود به سازماندهی صنوف نیز می‌پردازند. به همین دلیل است که تعدادی بیشمار از مردمان شهری و روستایی در صنعت و پیشه‌ها به کار گرفته می‌شوند. این امر علاوه بر آنکه از وحدت اجتماعی کار حکایت دارد، اولین تفاوت بارز بین انجمن‌های صنفی شار دوره اسلامی با گیلدها یا انجمن‌های حرفه‌ای شهر قرون وسطایی است. مبانی شهرسازی در دوره بوبیان همانی است که در ماوراءالنهر و در دولت سامانی تعریف و با مفاهیم نظریه‌ای دولت وفق داده شده است. به کارگیری این مفاهیم و مبانی در خطه مرکزی، غربی و جنوب غربی کشور سبب شده است تا از این دوره، قرن چهارم هجری، به عنوان مرجع شهرسازی و تفکر شهری کشور یاد شود.

کالبد شهر کماکان بر میدانی میانی (میدان کهنه اصفهان) پس افکنده شده است که در اطراف آن دیوان‌ها، بازارها و مسجد جامع قرار دارند.

نکته مهم در دوران آل بویه این است که مجموعه محلات شهری بدون هیچ برتری قومی - مذهبی، نژادی و ... بر اطراف مجموعه مرکزی و بازار گسترده می‌شوند؛ امری که به عنوان یک استثنا چه در دوران قبل و چه در دوران بعد مطرح می‌گردد.

مفهوم شار و سازمان آن در قرن پنجم و ششم هجری

برخلاف شار آزاداندیش دولت بوبیان، شار در دولت سلجوقی و سپس خوارزمشاهی بر مبنای سازمان اجتماعی - عقیدتی حاکم بنیان نهاده می‌شود. سازمان فضایی کالبدی شار بر مفهوم منطقه‌بندی کهن، مراکز حکومتی، محلات اعیان و اشراف، بازار و محلات شهری (جزء طبقات ممتاز) باز می‌گردد. این شار تجدید تولید همان سازمان فضایی دوران ساسانی است. محلات شهری از این پس تا حمله مغول جلوه‌گاه تضادها و پراکندگی‌های قومی - مذهبی و ... هستند. مردمان ساکن در این محلات علیرغم ارتباط وسیع مبادله‌ای و اقتصادی، از دیدگاه عقیدتی - فرهنگی هیچ وجه مشترکی با هم نداشته و کاملاً جدا از یکدیگر می‌زیستند و هر یک آداب و رسوم و مقررات خاص خود را داشتند. شهر مراغه به عنوان اولین پایتخت مغولی خطه ایران در تاریخ است.

در دوران مغول، در کناره غربی تبریز نوشهری به نام شنبه‌غازان (همان شام‌غازانی) بر پا داشته شد تا همه عمارت و بناهای لازم در کنار آن مقبره باشکوه برپا شود. در مقابل این امر، خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز دستور به ساخت ربع رشیدی می‌دهد؛ شهری با ۳۰ هزار خانه در کناره شرقی تبریز؛ شهری با



مدیران شریف

فصل هفتم

«نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران»

مقدمه

در چند دهه اخیر، شهرها با سرعت زیادی گسترش یافته و به شهرهای بزرگ تبدیل شده‌اند. این گسترش در مورد کشورهای توسعه‌نیافته حادث است. در این میان رشد وسیع شهرنشینی در دنیا در همه شهرها به‌طور متعادل صورت نگرفته است؛ بلکه عمدتاً شامل شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها بوده است. تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ تا آنجا پیش می‌رود که حتی در بعضی از کشورها ۳۰ درصد جمعیتشان را شامل می‌شود. کلان‌شهرهای بزرگ موجب بروز مشکلات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و ... شده است. به‌دنبال یافتن راه‌حلی برای جلوگیری از تمرکزهای بی‌حدومرز و مشکلات ناشی از آن، مطالعه در نوع پراکندگی، شبکه شهر، نظام سلسله‌مراتبی، نوع عملکردها و نقش آن‌ها ضرورت پیدا می‌کند.

تعاریف و مفاهیم

در گذشته، شهر یا مرکز ناحیه فرایندی از کلیه تحولات، خواسته‌ها و نیازهای ناحیه بود که به صورت یک جماعت انسانی با جمعیت بیشتر و یک‌سری برتری‌های نسبی، خود را به گونه‌ای انتزاعی به ثبت می‌رساند، در صورتی که امروز نفوذ عوامل متعددی باعث به وجود آمدن نقاط ثقل و شبکه‌ای از مکان‌های مرکزی یا شهرهای بزرگ و کوچک شده که نقاط اطراف خود را به‌طور شدید تحت نفوذ قرار داده است.

تحولات اقتصادی و دخالت‌های انسانی باعث پیدایش قطب‌های بزرگ صنعتی و شبکه‌ای از شهرهای بزرگ یا «مگالاپلیس»‌ها گردیده و بدین ترتیب نظم فضایی خاصی را در سطح ناحیه‌ای، ملی و جهانی به‌وجود آورده است. یک شبکه شهری که به تبع شرایط جغرافیایی با نظم خاصی شکل گرفته است، می‌تواند از نظر کمی (تعداد جمعیت) و یا از نظر کیفی (اهمیت و نقش آن‌ها) طبقه‌بندی شود و در نظمی از یک پایه و ارتفاع در ردیف یا مرتبه‌ای پشت سر هم قرار بگیرد که اصطلاحاً به نام سلسله‌مراتب شهری نامیده می‌شود.

حد مطلوب جمعیت یا اندازه بهینه شهر

افزایش روزافزون جمعیت شهرها به‌خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته موجب شده است که توجه محققان به مسائل و مشکلات ناشی از این افزایش جلب شود. مسلماً امروز به دلیل بروز مشکلات در شهرهای بزرگ نمی‌توان شهرهای میلیونی را آرزو کرد؛ ولی وجود آن‌ها واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌خصوص در شرایطی که مقیاس‌ها در سطح ملی تغییر کند و مسائل خاص اقتصادی، عدم تعادل ناحیه‌ای و روابط شهر و روستا را تغییر دهد. بدین جهت، امروز سیاست عدم تمرکز، سیاست پراکندگی و کنترل جمعیت‌ها و شهرهای بزرگ باب روز است و در اکثر کشورهای جهان ظاهر شده است. در عصر حاضر، شاهد افزایش دخالت‌های ارادی دولت‌ها در ابعاد شهری و نقش آن‌ها در آهنگ تحولات شهرها در حالت انتزاعی یا دسته‌جمعی هستیم. کنترل رشد پایتخت به عنوان یک امر ضروری و اساسی در بعضی از کشورهای پیشرفته، سوسیالیستی و جهان سوم در راستای اهداف گسترش موزون ملی صورت می‌گیرد. با این همه، شهرهایی هستند که در مقیاس جهانی فعالیت دارند (جهان‌شهرها) و شعاع عمل آن‌ها به خارج از مرزها گسترش یافته است (جهانی شدن).

این‌ها شهرهای چندنقشی یا «مولتی فونکسیونل» هستند. نقش این شهرها با نفوذ فرهنگی و اقتصادی‌شان مشخص می‌شود؛ بنابراین تصور حد مطلوب و اندازه بهینه شهر با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل چون رابطه اندازه شهر با هزینه‌ها و منافع ناشی از آن و افزایش مشکلات و مزایا به موازات ازدیاد جمعیت که در هر مرحله آستانه جدیدی را برای فعالیت‌ها مطرح می‌کند، چندان هم ساده و آسان نیست. بدین ترتیب، حد مطلوب اندازه شهر تمام مفهوم خود را در یک نظام سلسله‌مراتبی به دست می‌آورد که در آن اندازه‌های مختلف شهر وجود دارد. بنابراین مسئله توزیع جمعیت شهری در حد مطلوب در سلسله‌مراتبی مهم‌تر و منطقی‌تر از حد مطلوب و اندازه بهینه شهر است.

سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی بهترین شکل سازماندهی فضا است؛ زیرا در این نوع توزیع منطقی، جمعیت شهری از کوچک‌ترین افراد جوامع دورافتاده تا متروپل‌ها، قطب‌ها و مراکز توسعه در ارتباط با همدیگر فعالیت دارند و توزیع اندازه شهرها با سلسله‌مراتبی از این عملکردها مطابقت دارد.

کج مثال ۱: نقش جهان شهرها با کدام یک از عوامل زیر مشخص می‌شود؟

- (۱) اجتماعی (۲) سیاسی (۳) اقتصادی (۴) سلسله‌مراتبی

پاسخ: گزینه «۳» امروزه شهرهایی هستند که در مقیاس جهانی فعالیت دارند (جهان‌شهرها) و شعاع عمل آن‌ها به خارج از مرزها گسترش یافته است (جهانی شدن). این‌ها شهرهای چندنقشی یا «مولتی فونکسیونل» هستند. نقش این شهرها با نفوذ فرهنگی و اقتصادی‌شان مشخص می‌شود.

سلسله‌مراتب شهری از نظر کیفی و عملکردی

در طبقه‌بندی شهر از نظر کیفی سلیقه‌های مختلف به کار گرفته شده است که از آن جمله، ارزیابی سلسله‌مراتب شهری با سطح فعالیت شهرها در زمینه بخش سوم فعالیت‌های شغلی یا ارزیابی سلسله‌مراتب شهری بر مبنای تجهیزات و وسعت فضای جاذبه شهری می‌باشد. استفاده از تئوری‌های مکان‌مرکزی کریستالر یا همبستگی بین تعداد ساکنان و تعدادی از ویژگی‌های بنیادی فعالیت‌های تجاری از موارد دیگری هستند که در شناخت کیفی سلسله‌مراتب شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

علی‌رغم پیچیدگی مسئله طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی شهرها و تنوع معیارهای پیشنهادی توسط جغرافیدانان و سایر دانشمندان، دیدگاه‌های مشابهی را در مجموعه مطالعات این دانشمندان می‌توان یافت و طبقه‌بندی‌های قابل قبولی را می‌توان ملاحظه کرد. مقایسه دورنمای سلسله‌مراتب شهری با واقعیت سلسله‌مراتب شهری جهانی که در یک نظام نسبتاً به هم پیوسته شکل گرفته است، گرایش به تعمیم دورنمای پیش‌بینی شده و شکل‌گیری فضایی جهانی را تأیید می‌کند و در نتیجه الگویی را در سطوح مختلف نشان می‌دهد. در شرایط فعلی، قطبی شدن فعالیت‌های جهانی و تسلط و برتری تعدادی از شهرهای مهم جهان، شکلی از سلسله‌مراتب شهری جهانی را عرضه می‌کند که مجموع شهرهای کشورهای پیشرفته و کم‌رشد را دربر می‌گیرد و جهت‌گیری توسعه آینده شهرها با فعالیت‌های کوچک در سطح ملی در این سلسله‌مراتب شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، از کوچک‌ترین جوامع دورافتاده تا متروپل‌های چندمیلیونی نوعی پیوستگی ارگانیک در سطح زمین نمایان می‌گردد.

کج مثال ۲: در شرایط فعلی، کدام عامل باعث شکل‌گیری سلسله‌مراتب شهری جهانی شده است؟

- (۱) تحولات اقتصادی در کشورهای پیشرفته
(۲) قطبی‌شدن فعالیت‌های جهانی و تسلط برخی شهرها
(۳) نظام سیاسی حاکم بر جامعه جهانی
(۴) تقسیم جهانی کار و تسلط و برتری برخی از کشورها بر اقتصاد جهان

پاسخ: گزینه «۲» در شرایط فعلی، قطبی شدن فعالیت‌های جهانی و تسلط و برتری تعدادی از شهرهای مهم جهان، شکلی از سلسله‌مراتب شهری جهانی را عرضه می‌کند که مجموع شهرهای کشورهای پیشرفته و کم‌رشد را دربر می‌گیرد و جهت‌گیری توسعه آینده شهرها با تفاوت‌های کوچک در سطح ملی در این سلسله‌مراتب شکل می‌گیرد.

جایگاه و نظام سلسله‌مراتبی جوامع و شهرهای ایران

اصولاً در ایران در گذشته، شهرستان‌های هر منطقه هر کدام به صورت یک ناحیه مستقل عمل می‌کردند و مرکز شهرستان تنها شهر مرکزی بود و منطقه شهری بدون سلسله‌مراتب، جوامع انسانی را در حوزه نفوذ خود نگه می‌داشت و یک «پولاریزاسیون» قوی بر فضای پیرامون خود پدید می‌آورد که در ارتباط با هر یک از شهرها و حوزه نفوذ، اهمیت و ارزش آن‌ها تعیین می‌شد. نقش شهری چیزی جز ساخت نبود و موجودیت آن اساساً ناشی از حوزه نفوذش بود و از این حوزه نفوذ بود که شهر برای رشد و توسعه اقتصادی، قسمت اعظم نیروی محرک و نیز ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی خود را دریافت می‌کرد. نظام روابط شهر و روستا اکثراً به سبب نبود شبکه منظم جوامع انسانی، بدون نقش میانی شهرهای کوچک و متوسط پایه‌ریزی شد و تمام روستاها مستقیماً و بدون واسطه با مرکز شهرستان در ارتباط بودند.



با گذشت زمان و به دنبال تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، نقاط شهری رو به افزایش نهادند، به طوری که سرشماری‌های مختلف نشان می‌دهند که به تدریج نقاط کوچک شهری در اطراف مراکز شهری و تا اندازه‌ای در مراکز جوامع روستایی ظاهر شدند؛ چنانچه بخشی از ارتباط متقابل شهرهای متوسط و مراکز شهرستان با روستاهای اطراف از طریق نقاط کوچک شهری انجام می‌گیرد و بدین ترتیب در طول سه دهه اخیر به موازات تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، روابط شهر و روستا و عملکردهای گوناگون شهرها و نظام شبکه شهری ایران نیز تغییر یافته است.

کلمه مثال ۳: سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی، بهترین شکل است.

- (۱) سازمان‌یابی شهر (۲) اندازه مطلوب شهر (۳) سازماندهی فضا (۴) توزیع جمعیت

پاسخ: گزینه «۳» حد مطلوب اندازه شهر تمام مفهوم خود را در یک نظام سلسله‌مراتبی به دست می‌آورد که در آن اندازه‌های مختلف شهر وجود دارد؛ بنابراین مسأله توزیع جمعیت شهری در حد مطلوب در یک نظام سلسله‌مراتبی مهم‌تر و منطقی‌تر از حد مطلوب و اندازه بهینه شهر است. سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی بهترین شکل سازماندهی فضا است؛ زیرا در این نوع توزیع منطقی، جمعیت شهری از کوچک‌ترین افراد جوامع دورافتاده تا متروپل‌ها و قطب‌ها در ارتباط با همدیگر فعالیت دارند و تنوع اندازه شهرها با سلسله‌مراتبی از این عملکردها مطابقت دارد.

الگوی سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی

بیش از نیم قرن است که «اوئر باخ» (۱۹۱۳) ارتباط اندازه شهرها را با مرتبه یا ردیف آن‌ها مورد بحث قرار داده است. به دنبال این دانشمند موضوع روابط، اندازه و مرتبه شهری در سال ۱۹۲۶ توسط «لوتکا» مورد استفاده قرار گرفت و بالأخره در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۹ این نوع بررسی در شهرها توسط «ژرژ کینگ زیپف» به طور کامل فرمول‌بندی و مورد عمل واقع شد؛ بدین ترتیب، $P_n = P_1(n)^{-1}$. در این فرمول، P_1 جمعیت شهر اول، P_2 جمعیت شهر دوم و P_n جمعیت کوچک‌ترین و آخرین شهر است. با کمک این فرمول می‌توان اندازه و مرتبه شهرها را مورد بررسی قرار داد. در این تئوری شهرها در یک سلسله‌مراتب آماری در یک منطقه یا کشور و در یک نظم ریاضی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

به دنبال ارائه این تئوری مطالعات مختلفی در نواحی گوناگون جهان شروع شد. در ایالات متحده آمریکا «والتر ایزارد» در سال ۱۹۶۵ نشان داد که روابط بین اولین شهر تا پنجمین شهر در یک نظام سلسله‌مراتبی اختلاف چندانی با تئوری پیشنهادی زیپف نشان نمی‌دهد. در سال ۱۹۵۸، «استوارت» نیز رابطه بین اولین و دومین شهر را در ۷۲ کشور جهان مورد مطالعه قرار داد و ملاحظه کرد که در مجموع این کشورها، ضریب پیشنهادی رابطه اولین و دومین شهر در تئوری زیپف صدق نمی‌کند.

سرانجام ریچاردسون (۱۹۷۳) شاخص چهار شهر پارتو را با معیارهای قاعده رتبه - اندازه تطبیق داد. بدین گونه که براساس قاعده رتبه - اندازه شهری، اندازه مطلوب شهر در نظام شهری این گونه باید باشد که شهر اول دو برابر شهر دوم، سه برابر شهر سوم و چهار برابر شهر چهارم باشد.

ارزیابی سلسله‌مراتب شهری ایران

بررسی‌های مقدماتی و تئوریک سلسله‌مراتب شهری همان‌طور که عنوان شد، ورود در مقوله روابط سیستماتیک سلسله‌مراتب شهری، نقش، اهمیت و تحقیق در مقایسه آن‌ها را ایجاب می‌کند. بر مبنای آمارگیری سال‌های ۱۳۶۵، ۷۵ و ۸۵ در ایران کلاً ۴۹۶، ۶۱۲ و ۱۰۱۲ شهر در کشور وجود داشته است که جمعاً نزدیک به ۲۷ میلیون یا ۵۴/۳ درصد جمعیت کل کشور را تا ۳۶ میلیون یعنی ۶۱ درصد و ۴۸ میلیون یعنی ۹۶/۶ درصد جمعیت دربرداشته است.

این بررسی‌ها از نظام سلسله‌مراتبی کشور توسعه شهرهای بزرگ، تراکم جمعیت و وجود شهر تهران را به عنوان شهر برتر و نخستین در طول ۶ دوره سرشماری نشان داد و اینکه این تفوق و برتری از گذشته تا حال افزایش یافته است. بعد از تهران ملاحظه می‌شود که فضای ملی پیرامون چند متروپل سازمان یافته است که کادر بالای خدمات تخصصی، اقتصادی و سیاسی را نسبت به شهرهای پایین‌تر از خود عرضه می‌دارند و بالاخره، شبکه شهرهای متوسط و کوچک که ضمن پیوستگی با مراتب بالای نظام شهری ایران روابط ارگانیک خود را هنوز با جامعه روستایی و کشاورزی حفظ کرده و به صورت اقمار و حاشیه‌ای در نظام شبکه شهری ایران تجلی یافته‌اند.

تحولات شهرها و جمعیت شهری در زمان نیز چشمگیر است. افزایش سهم جمعیت شهری در کل جمعیت کشور و افزایش تعداد و جمعیت شهرها به‌خصوص در سطوح بالای جمعیت شهری مشهود است.

ارزیابی الگوی اندازه - مرتبه شهرهای ایران

استفاده از تئوری اندازه - مرتبه زیپف و رسم منحنی لگاریتمی شهرهای ایران در طی ۶ دوره سرشماری حقایق زیر را آشکار می‌سازد: اولاً در کل منحنی‌های ترسیم شده، اختلاف با خط نرمال خیلی زیاد است و عدم تعادل در تعداد مراتب شهری اختلاف آن‌ها را با خط واقعی مراتب مختلف شهری نشان می‌دهد. ضمن این‌که اختلاف در سطوح پایین و بالای مراتب شهری مشهود است، عدم تعادل در تعداد مراتب شهری در تمام سطوح ملاحظه می‌شود؛ به‌خصوص که تعداد شهرهای ۷۵ تا ۱۰۰ و ۲۵۰ هزار نفری، یعنی شهرهای متوسط، نسبت به تعداد دیگر مراتب شهری حد کمتری را نشان می‌دهد. در سایر مراتب شهری نیز، به‌خصوص در سطوح پایین، عدم تعادل به چشم می‌خورد.



مقایسه دوره‌های سرشماری، گرایش به حد مطلوب سلسله‌مراتب شهری را با گذشت زمان بازگو می‌کند؛ ولی به علت اختلاف زیادی که با خط نرمال دارد، عدم تعادل هنوز به قوت خود باقی است. گرایش به تعادل در سطوح بالا مشهود است، ولی در سطوح پایین، به خصوص در شهرهای کمتر از یک‌صد هزار نفر، آنچنان بهبودی ملاحظه نمی‌گردد. بدین ترتیب، اختلاف فاحش بین تعداد هر یک از مراتب شهری و قانون زیپف مشخص می‌کند که گرایش به افزایش شهرها با اندازه بزرگ‌تر به دلیل سیاست‌های اقتصادی و ازدیاد تعداد شهرهای کم‌جمعیت نتیجه سیاست‌های اداری کشور است. بدیهی است که این دو گروه از شهرها هیچ تناسبی با هم ندارند. اختلافات ناحیه‌ای و سیاست‌های اداری تا اندازه‌ای به این مسائل دامن می‌زنند؛ ولی سیاست اقتصادی عامل مهمی در توزیع نامتعادل سلسله‌مراتب شهری است.

اساساً در هر دوره سرشماری شاهد افزایش میزان جمعیت هستیم. در این میان فقط چند شهر به صورت منطقه‌ای و متروپل ناحیه‌ای توانسته‌اند خود را به سطوح بالاتر انتقال دهند و در سطوح پایین و متوسط به جز افزایش تعداد محدود جمعیت شهرها، تعداد آن‌ها نیز تغییرات چندانی به خود ندیده است. فقط شهرهای صد هزار نفر به بالا توانسته‌اند همراه افزایش اولین شهر با متروپل ملی، هم از نظر تعداد و هم از نظر اندازه افزایش یابند. گرایش به افزایش تعداد جمعیت اولین شهر، استخوان‌بندی شبکه و نظام شهری ایران را از حالت هرمی متعادل خارج کرده و کشیدگی در رأس منحنی را باعث شده است. بدین ترتیب، خصوصیات یک کلان‌شهر فائق و برتر با ویژگی‌های برتری یک شهر را در سلسله‌مراتب شهری و شبکه فضایی در سطح ملی کاملاً نمایان می‌سازد. این امر در طول دوره‌های مختلف افزایش پیدا کرده و الگوی نخست شهری را به وجود آورده است.

به طور کلی، ویژگی‌های اساسی نظام شهری در ایران عبارتند از: افزایش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها، افزایش تعداد شهرهای کوچک و تناسب نسبی نسبت شهرنشینی در شهرهای کوچک (در تقسیمات فعلی) و متوسط در سال‌های گذشته. در این میان، توسعه شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت در آن‌ها مشخصه اصلی نظام شهری کشور است و شهر تهران خارج از ترتیب منظم نظام شهری کشور به عنوان شهر برتر یا شهر نخستین تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی حفظ کرده است.

شهرهای بزرگ کشور در سطحی پایین‌تر از ترتیب شهرها از بالا به پایین و در سطحی بالاتر از ترتیب شهرها از پایین به بالا قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، شهرهای بزرگ در سطحی بالاتر از ترتیب شهرها میان شهرهای بزرگ و متوسط و پایین‌تر از متروپل ملی واقع شده‌اند. در مجموع شهرهای ایران، هفت تا ده شهر بزرگ مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، کرمانشاه، قم و ... از شهرهای پایین‌دست و بالادست خود یعنی تهران بریده‌اند و در نظام سلسله‌مراتبی آماری شهرهای کشور گسستگی به وجود آورده‌اند. از این رو، به تدریج زمینه‌های لازم برای پیوستن به شبکه جهانی و دایره سرمایه‌داری جهانی در سطوح بالای سلسله‌مراتب شهری نمایان می‌شود.

گفتنی است که شهر تهران با تمرکز و برتری در سطح ملی، ضمن حفظ ارتباط با چند شهر بزرگ داخلی و با پولاریزاسیون کامل شبکه شهری در سطح ملی، مجموعه عوامل رشد را به خود اختصاص داده و با پیوند با مادرشهرهای جهانی موقعیت خود را در سطح فراملی به ضرر نظام شهری در سطح ملی تحکیم بخشیده است. این گرایش علی‌رغم محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی، به خاطر عدم توجه کافی به سطوح پایین شبکه و سلسله‌مراتب شهری ایران هنوز هم در حال رشد است و گسستگی در نظام سلسله‌مراتب شهری ایران را موجب شده است.

کلمه مثال ۴: ازدیاد شهرهای کم‌جمعیت از نظر تعداد، نتیجه کدام سیاست کشوری است؟

(۱) سیاست اقتصادی

(۲) سیاست رهایی از فقر روستایی

(۳) سیاست اداری

(۴) سیاست رسیدن به تعادل

پاسخ: گزینه «۳» در سلسله‌مراتب شهری ایران طی ۶ دوره سرشماری، گرایش به تعادل در سطوح بالا مشهود است؛ ولی در سطوح پایین، به خصوص در شهرهای کمتر از یک‌صد هزار نفری، آنچنان بهبودی ملاحظه نمی‌گردد. بدین ترتیب، اختلاف فاحش بین تعداد هر یک از مراتب شهری و قانون زیپف مشخص می‌کند که گرایش به افزایش شهرها با اندازه بزرگ‌تر به خاطر سیاست‌های اقتصادی و ازدیاد تعداد شهرهای کم‌جمعیت نتیجه سیاست‌های اداری کشور است.

کلمه مثال ۵: کدام یک از موارد زیر استخوان‌بندی شبکه و نظام شهرهای ایران را از حالت هرمی متعادل خارج کرده است؟

(۱) افزایش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها

(۲) توسعه شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت آن‌ها

(۳) پیوستن شهرهای بزرگ به شبکه جهانی

(۴) افزایش تعداد جمعیت اولین شهر کشور

پاسخ: گزینه «۴» گرایش به افزایش تعداد جمعیت اولین شهر، استخوان‌بندی شبکه و نظام شهرهای ایران را از حالت هرمی متعادل خارج کرده و کشیدگی در رأس منحنی را باعث شده است. بدین ترتیب، خصوصیات یک کلان‌شهر فائق و برتر با ویژگی‌های برتری یک شهر را در یک سلسله‌مراتب شهری و شبکه فضایی در سطح ملی کاملاً نمایان می‌سازد. این امر در طول دوره‌های مختلف افزایش پیدا کرده و الگوی نخست شهری را به وجود آورده است.



ایجاد تعادل در نظام شهری ایران

۱) سیاست‌های جدید

کل شهر نه تنها در یک محدوده ملی مشخص ثبت شده، بلکه هر یک از فعالیت‌هایش، مخصوصاً فعالیت‌های خدماتی آن، کاملاً وابسته به موقعیتی است که شهر در یک سیستم شهری، ناحیه‌ای یا کشوری اشغال کرده است. همین‌طور، با تغییر جریانات و روابط بین آن‌ها که بدان وسیله شهر با هسته‌های مختلف مربوط می‌شود، نظام شهری تغییر می‌کند. در اکثر شبکه‌های شهری، فعالیت‌های خدماتی به تجمع در یک کانون یا در مکان‌های مرکزی گرایش پیدا می‌کند که بنابر نقش و اهمیت خود، سلسله‌مراتبی را در ترکیب فضایی شهر اشغال می‌کند و بدین وسیله، به همراه ظهور عوامل جدید تغییراتی در سلسله‌مراتب شهری به وجود می‌آورند.

در کشورهای جهان سوم نیز نفوذ یا پولاریزاسیون قوی پایتخت‌ها و قطبی شدن آن‌ها نظام خاصی از شبکه شهری را به وجود آورده است و با تغییر این نظام و شبکه شهری، کاهش نفوذ قطب‌گرایی پایتخت و ایجاد تعادل در نظام شهری مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به مشکلات ناشی از تمرکز و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، به‌خصوص پایتخت‌ها، سیاست‌های مختلفی در ایجاد تعادل در نظام شهری اعمال می‌گردد. یکی از این سیاست‌ها ایجاد امکانات توسعه برای شهرهای متوسط در نظام سلسله‌مراتب شهری است که از طریق تشویق به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و سیاست عدم تمرکز حاصل می‌شود. مورد دوم تزریق شهرهای جدید در سلسله‌مراتب شهری است که از طریق ایجاد شهرهای اقماری در اطراف پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ انجام می‌گیرد، مثل لندن و بالاخره تغییر مرکز سیاسی، ایجاد قطب‌ها و شهرهای صنعتی جدید. تغییرات در نظم اداری - سیاسی نیز از جمله اقداماتی است که در جهت ایجاد تعادل در نظام شهری موجود انجام می‌گیرد.

نظم سلسله‌مراتبی شهری ایران تجدیدنظر در این نظم را ایجاد می‌کند و همان‌طور که اظهار شد، شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای متوسط و کوچک از بالاترین رشد برخوردار بوده و اکثر سطوح عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان سیاست عدم تمرکز و ایجاد شهرهای جدید مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد شهرهای جدید خارج از اهداف صنعتی و اقتصادی آن‌ها در شرایطی که در جاذبه حوزه نفوذ و شعاع عملکرد شهر بزرگ قرار داشته باشند، ولو این‌که از جنبه‌های مختلف خودکفا باشند، تأثیر چندانی در نظم‌بخشی و ایجاد تعادل سلسله‌مراتب شهری نخواهد داشت.

ارزیابی نهایی

آزمایش نظریه رتبه - اندازه در ایران با استفاده از آمارهای ۶ دوره سرشماری از طریق روابط تعداد جمعیت هر شهر و مرتبه آن‌ها و درصد تعداد شهرها در هر مرتبه و اندازه، منحنی‌های مشابهی را ارائه می‌کند که هر دو با خط نرمال پیشنهادی اختلاف زیادی را نشان می‌دهند. به طور کلی، ویژگی‌های اساسی نظام شهری ایران در ارتباط با این تئوری به شرح زیر است:

۱) ضمن این‌که اختلاف در سطوح پایین و بالای مراتب شهری مشهود است، عدم تعادل در تعداد مراتب شهری در تمام سطوح ملاحظه می‌شود.
۲) مقایسه دوره‌های مختلف سرشماری، گرایش به حد مطلوب سلسله‌مراتب شهری را در گذشت زمان نشان می‌دهد؛ ولی به علت اختلاف زیاد با خط نرمال، عدم تعادل هنوز به قوت خود باقی است.

۳) گرایش به افزایش تعداد شهرهای بزرگ‌تر و فزونی تعداد شهرهای کم‌جمعیت ملاحظه می‌شود؛ ولی این دو گروه با همدیگر متناسب نیستند و افزایش جمعیت و تعداد شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای متوسط و کوچک و تا اندازه‌ای روستاها عمل می‌کند. افزایش تعداد و اندازه شهرهای بزرگ و پایتخت ناشی از مهاجرت جمعیت روستایی و افزایش تعداد شهرهای کوچک ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهر و روستا می‌باشد.

۴) شهرهای بزرگ در سطح پایین‌تر از ترتیب شهرها از بالا به پایین و در سطحی بالاتر از ترکیب شهرها از پایین به بالا قرار گرفته‌اند و در مجموع، هفت تا ده شهر بزرگ کشور از شهرهای بالادست و پایین‌دست یعنی شهرهای متوسط و کوچک بریده‌اند.

۵) وجود شهر تهران به عنوان مادرشهر ملی و پایتخت کشور به علت افزایش بیش از حد جمعیت، خارج از ترتیب منظم شهری کشور، به عنوان یک شهر برتر و نخستین نفوذ و برتری خود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی حفظ کرده است. بدین ترتیب، ضمن پیوستن به شبکه دایره سرمایه‌داری جهانی و همچنین حفظ ارتباط با چند شهر بزرگ داخلی (پولاریزاسیون کامل شبکه شهری در سطح ملی) مجموعه عوامل رشد را به خود اختصاص داده است و با جایگزینی در سطح جهانی به ضرر نظام شهری عمل کرده و موجبات گسستگی در نظام سلسله‌مراتب شهری ایران را فراهم آورده است.

۶) به طور کلی، ملاحظه نمودارها و جدول‌های مربوط، به خوبی گسستگی در سیستم شهری را نشان می‌دهد که این خود تقویت شهرهای متوسط کشور را ایجاد می‌کند.

ملاحظات مذکور ادامه راه‌حل‌های منطقی را با توجه به شرایط جغرافیایی یادآور می‌شود. تفاوت شدید ناحیه‌ای، توزیع نامتعادل شهرها و مکان‌گزینی آن‌ها که در ارتباط تنگاتنگ با شرایط زیست‌محیطی، سوابق تاریخی و به دنبال آن تقسیمات سیاسی و توسعه اقتصادی می‌باشد، مبنای اصلی عدم تعادل در نظام شهری ایران را تشکیل می‌دهند، به طوری که بعضی مراکز شهری تبدیل به نقاط غالب و ممتاز شده و نقش رهبری حیات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را در مناطق عمده کشور یافته‌اند؛ در حالی که بقیه فضای ملی وابسته به آن‌ها و تحت نفوذ آن‌ها است و باعث دوگونه شدن و حتی شکاف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظام شهرنشینی و سیستم شهری شده است.

سیاست‌های راهبردی کاهش عدم تعادل نظام شهری

با توجه به مجموعه مسائل و عدم تعادلی که در نظام شهری ایران مشهود است و با توجه به تجربه‌هایی که در کشورهای مختلف جهان به دست آمده و در سطح ملی نیز تجربه شده است، در جهت کاهش عدم تعادل نظام شهری ایران سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱) کنترل از بالا: در سلسله‌مراتب شهرهای ایران طی چند دهه اخیر، تهران به کلی خارج از ترتیب منظم شهری قرار گرفته و به عنوان شهر برتر و نخستین، تفوق و برتری خود را، که دارای زمینه‌های تاریخی و سیاسی نیز می‌باشد، حفظ کرده است و در مجموع شهرهای بزرگ از شهرهای پایین‌دست و همچنین از بالادست و خود تهران بریده‌اند و در نظام سلسله‌مراتبی شهر ایران گسستگی به وجود آورده‌اند.

استخوان‌بندی شبکه و نظام سلسله‌مراتبی شهرهای کشور در واقع به صورت هرمی نیست، بلکه دو سطحی است و این دو سطح عبارتند از: الف - سطح بالا و عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی متمرکز در شهرک‌های منطقه‌ای و مراکز سیاسی کشور متشکل از تهران و شهرهای یادشده

ب - شبکه شهرهای کوچک و متوسط که از پیوستگی و زیر پوشش درآوردن فضایی تمام پهنه سرزمین ملی برخوردار هستند. این مراکز مستقیماً با جامعه روستایی و فضای کشاورزی در ارتباط‌اند، ولی نقش چندانی در خدمات‌رسانی و توسعه اقتصادی ناحیه‌ای ندارند. اساساً دو سطحی بودن نظام شهری حاصل تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و تاریخی و تفاوت‌های ناشی از دسترسی به منابع و شرایط در برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی است. نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران بر ایفای نقش عملکرد سلسله‌مراتبی کانون‌ها و فضاهای شهری مبتنی نمی‌باشد. شمار کانون‌های شهری و توزیع فضایی و حجم جمعیتی آن‌ها از سلسله‌مراتب شهری تبعیت نمی‌کند. توزیع جغرافیایی مراکز زیستی در نظام شهری ایران نشان می‌دهد که در شهرهای بزرگ و کوچک از نظر کمی و کیفی، عملکردی، حوزه نفوذ و کارکردهای منطقه‌ای تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. نکته قابل ذکر این‌که شهرهای بزرگ و تهران از لحاظ خدمات تخصصی و تجاری عمده به آستانه سودآوری رسیده‌اند. به طور کلی، روند شهرنشینی و رشد جمعیت آن در دهه اخیر کاهش یافته است و در این میان، شهرهای متوسط از افزایش نسبی برخوردارند و شهرهای بزرگ نیز به موازات تهران به رشد خود هم‌پای با آن ادامه می‌دهند.

۲) تباین جغرافیایی: تباین جغرافیایی در ایران به عدم تعادل ناحیه‌ای منجر شده است که نتیجه آن تفاوت در ساختار و پراکندگی جمعیت در سطح ملی است و بدین ترتیب شکل‌گیری فضای ملی را دچار اختلاف کرده است. به علاوه، بنیادهای جغرافیایی در جذب جمعیت نیز شرایط اکولوژیک خاص خود را طلب می‌کنند که عدم تعادل در آن موجب برهم خوردن شرایط زیست‌محیطی خواهد شد؛ بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری در سیاست تعادل بخشی در نظام شهری ایران باید از پایین شروع شود تا ضمن حفظ روابط ارگانیک مکان‌های مرکزی و بالآخره شهرها با نواحی و قلمرو طبیعی و جوامع انسانی داخل یک سیستم با حفظ وابستگی بنیادهای متعلق، مجموعه‌ها در مفهوم فضایی آن شکل گیرند. بدین طریق، ضمن نفوذ فرهنگ شهرنشینی به جوامع کوچک‌تر و روستایی، روابط ارگانیک آن‌ها با مراتب بالاتر خود نیز حفظ خواهد شد و عدم تعادل به خودی خود برطرف خواهد شد. مضاف بر این‌که پتانسیل کافی برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها و حفظ آن در سطوح پایین سلسله‌مراتب شهری بدون پولاریزاسیون شهرهای بزرگ نیز فراهم خواهد آمد.

۳) توسعه شهرهای میانی: مسلماً ضرورت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، پیدایش قطب‌های توسعه را ایجاد می‌کند و بخشی از این سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی آستانه‌ای از تمرکز جمعیت و نیروی انسانی را طلب می‌کند که ضرورتاً قطبی شدن بعضی از شهرها و یا ایجاد مراکز جدید را دربر خواهد داشت. با توجه به نمودار سلسله‌مراتب شهری و کمبود یا غیرفعال بودن شهرهای متوسط در نظام شهری ایران، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی حد مطلوب انتفاع ملی خود را در این شهرها خواهند یافت. بدین ترتیب، ضمن ایجاد تعادل در سطوح بالای سلسله‌مراتب شهری، تقویت سطوح پایین سلسله‌مراتب شهری را نیز موجب خواهند شد.

۴) ایجاد شهرهای جدید: ایجاد این شهرها خارج از اهداف صنعتی و اقتصادی آن‌ها در شرایطی که در جاذبه و شعاع عملکرد شهر بزرگ قرار داشته باشد، جز افزایش سهم و اندازه شهر مرکزی در نظام شهری نتیجه‌ای نخواهد داد. ضمن این‌که عدم تعادل اکولوژیک را تشدید می‌کند، عدم تعادل فضایی در سطح منطقه‌ای و ملی را نیز موجب خواهد شد و تأثیر چندانی در نظم‌بخشی و ایجاد تعادل سلسله‌مراتب شهری نخواهد داشت. ضرورت ایجاد شبکه‌ای از مادرشهرهای منطقه‌ای و ناحیه‌ای ایجاد شهرهای جدید را در مناطق عقب‌مانده با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و منابع طبیعی ایجاد می‌کند.

کلمه مثال ۶: سرمایه‌گذاری‌ها حد مطلوب انتفاع ملی خود را در کدام شهرها به دست می‌آورند؟

۱) شهرهای بزرگ ۲) شهرهای متوسط ۳) شهرهای کوچک ۴) متروپل ملی

پاسخ: گزینه «۲» ضرورت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، پیدایش قطب‌های توسعه را ایجاد می‌کند و بخشی از این سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی آستانه‌ای از تمرکز جمعیت و نیروی انسانی را می‌طلبد که ضرورتاً قطبی شدن بعضی از شهرها و یا ایجاد مراکز جدید را دربر خواهد داشت. با کمبود و یا غیرفعال بودن شهرهای متوسط در نظام شهری ایران، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی حد مطلوب انتفاع ملی خود را در این شهرها خواهند یافت.



کج مثال ۷: دو سطحی بودن نظام شهری حاصل کدام یک از شرایط می‌باشد؟

- (۱) تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و تاریخی
 (۲) تفاوت‌های ناشی از دسترسی به منابع
 (۳) تفاوت در شرایط برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی
 (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه «۴» دو سطحی بودن نظام شهری حاصل تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و تاریخی و تفاوت‌های ناشی از دسترسی به منابع و شرایط در برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی است. نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران بر ایفای نقش عملکرد سلسله‌مراتبی کانون‌ها و فضاهای شهری مبتنی نمی‌باشد.

شهر و نظام شهری در طرح‌های توسعه ملی

شهرهای ایران همگام با جریان‌های تاریخی ایران سیر پر فراز و نشیبی داشته‌اند. بازتاب این سیر تکاملی تا اوایل قرن حاضر در کالبد شهرهای ایران قابل مشاهده بود. عناصر جدید شهری در پیوند با کالبد گذشته شهرهای ایران مجموعه‌ای نامتجانس را پدید آورد. چنین دگرگونی و تحولی ریشه در تحولات سیاسی - اقتصادی قرن حاضر دارد و معضلات امروز شهرهای ما نتیجه دگرگونی‌های سیاسی - اقتصادی و ادامه روند رشد شتابان شهرنشینی است که هر روز پیچیده‌تر و نسبت به روز قبل بغرنج‌تر می‌شود.

اتخاذ هر تصمیمی قطعاً وابسته به بازنگری گذشته این جریان، علل جریان‌های تقویت‌کننده، راه‌های هدایت، سیاست‌ها و راهبردهای مربوط به حفظ و بازسازی میراث‌های شهری، کنترل توسعه‌ی فضایی و ایجاد شهرها و شهرک‌های جدید است که بنا بر مقتضیات زمانی و مکانی برنامه‌ریزی و طرح‌های خاصی را طلب می‌کند.

۱) بازتاب تحولات شهر و شهرنشینی در نظام کالبدی شهرها

شهرهای ایران در یک دوره ۱۴۰۰ ساله بعد از اسلام به سیر تکاملی خود ادامه داده، وارث نظام شهرنشینی با ویژگی‌های فرهنگی، ملی و مذهبی خود بودند. در چنین روندی، شهرها در فراز و نشیب‌های تاریخی و سیاسی به همراه تحولات اقتصادی، که از یک جریان مستمر و هماهنگ برخوردار بود، دگرگونی‌هایی بر چهره خود یافتند که نهایتاً به رونق شهرنشینی و آبادانی شهرها منجر شد.

شهرها به آرامی و بدون برنامه‌ریزی قبلی و طرح‌های از پیش تعیین شده به تحول و تکامل خود ادامه می‌دادند. تغییرات کالبدی به آرامی در یک نظام به هم پیوسته انجام می‌گرفت و توسعه فضایی به دلایل امنیتی خیلی کمتر اتفاق می‌افتاد. اقتصاد شهری در یک بستر اقتصادی وابسته به عوامل درون‌زا و ناحیه‌ای و برای بعضی شهرها در یک جریان توسعه تجاری خارجی و داخلی شکل می‌گرفت و هماهنگ با این نظم و امکانات تولید اقتصادی شهرها رونق یافته و یا از رونق می‌افتاد و نظام شهری شکل می‌گرفت.

ورود غیرمنتظره و نابهنگام سرمایه خارجی به چهارچوب شهر از اواخر قرن نوزدهم، وابسته شدن تجارت ملی و حکومت به نهادهای استعماری و سرمایه‌گذاری آنان در شهرها به گونه‌ای به شهرگرایی و شهرنشینی نابهنگام و ناهمگون حیات بخشید. بازرگانان، تجار و سرمایه‌داران خارجی به سرعت با استبداد مطلق بعد و قبل از انقلاب مشروطه رابطه‌ای نزدیک برقرار کردند، حیات اقتصادی شهرها را مورد تهدید قرار دادند و آن‌ها را از تکاپو انداختند.

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، حکومت مطلق پهلوی به دلایل خاص، مثل تباین با حکومت‌های قبل از خود، شهر را اجباراً به عنوان پایگاه قدرت و تحولات انتخاب کرد. دستور روز از این پس دگرگونی شهرهاست. نظام ارباب رعیتی صورتی قانونی پیدا کرد و با نظر به نیاز گردش سرمایه و کار در داخل شهرها، قوانین شهری مثل قانون بلدیة را برای سروسامان دادن شهرها تدوین و تغییرات در ساختار فیزیکی شهرها را آغاز کرد. در راستای این طرح، تحولات سیمای جدید شهر و مفهوم سود بردن از شهر در برنامه‌ریزی‌های حکومتی مطرح شد.

دو خیابان متقاطع در اغلب شهرها به صورت اولین دسته از مداخلات برای حل مسئله گردش کالا و سرمایه ایجاد شد و این روند به تدریج ادامه یافت و ضمن ایجاد جدایی بین عناصر عمده شهری، سیما و چهره شهر را دگرگون نمود. خیابان‌های جدیدی نیز در خارج از بافت سنتی در نزدیکی دروازه‌ها و خندق‌های قدیمی شهرها ایجاد شدند. بازار به عنوان یکی از ارکان اقتصادی خودمختاری خود را از دست داد، بین عناصر فرهنگی جدایی افتاد و آنها به انزوا کشیده شدند. محلات شهری مفهوم قبلی خود را از دست دادند و زندگی شهری نیز دگرگون و غیرریشه‌ای شد. این نوع شهرنشینی و شهرگرایی که نتیجه مستقیم نفوذ سرمایه‌های خارجی بود، به هیچ وجه با گرایش‌های شهرنشینی دوران انقلاب صنعتی اروپا، که در آنجا شهر به همراه و به موازات توسعه صنعت دگرگون می‌شد، شباهتی نداشت.

با روی کار آمدن رضاشاه، اصلاحات و جراحی‌های کالبدی، تعریض معابر و صدور قوانین شهری ایجاد شد. شهرها محل استقرار و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم بودند و باید بهترین و سریع‌ترین تحول را می‌پذیرفتند؛ زیرا پراکندگی روستاها و ساختار اجتماعی - فرهنگی این جوامع به صورتی بود که به آسانی پذیرای این دگرگونی نبودند؛ در نتیجه، بیشترین سرمایه‌گذاری‌های رژیم گذشته نیز در جهت ارتباط با مراکز تجاری با مراکز واسطه‌ای و در نهایت شهرهای توزیع‌کننده کالا بود، در صورتی که در این فاصله کمتر به روستا توجه می‌شد. در چنین روندی، شهرها به تغییرات و دگرگونی‌های آرام خود ادامه می‌دهند و تغییرات فیزیکی از یک طرح منسجم و به هم پیوسته برخوردار نیستند و شهرها به همراه خواست‌های حکومتی و شرایط سیاسی و تغییرات اقتصادی تغییر شکل می‌دهند. اولین طرح شهری که در اولین دوره به اجرا گذاشته شد، در شهر همدان در سال

۱۳۱۰ بود که به وسیله کارل فریش آلمانی انجام شد؛ ولی طراحی‌هایی از این دست به صورت غیرمنظم و نامنسجم در بعضی از شهرها نیز اجرا گذاشته شد؛ ولی تغییرات عمده کالبدی شهرها همان تغییراتی بود که به تدریج و به موازات تصمیم‌گیری‌های حکومتی و سیاسی انجام می‌گرفت. چنین روندی تا سال ۱۳۲۰ ادامه یافت؛ ولی از آنجا به بعد دچار رکود شد و شهرها به دلایل متعدد سیاسی و اقتصادی به سامان‌بخشی جراحی‌های گذشته و ترسیم خرابی‌های خود پرداختند و تا سال ۱۳۳۲ این روند ادامه داشت و از آن به بعد دگرگونی‌های وسیع در نظام کالبدی شهرها به وجود آمد.

بعد از کودتای ۱۳۳۲، پیوستگی ایران به بازار جهانی سرعت بیشتری پیدا کرد و آمریکا به عنوان نماینده شرکت‌های چندملیتی نقش رهبری اقتصادی سیاسی ایران را برعهده گرفت. سیاست صنعتی کردن کشور، انجام اصلاحات ارضی، افزایش درآمد حاصل از نفت، جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور سرمایه‌گذاری در بخش صنعت در شهرها، سیاست‌های توسعه شهر، تصویب فرهنگ شهری و ایجاد زمینه‌های تضاد شدید اقتصادی بین شهر و روستا گرایش به شهرنشینی در ایران را تقویت کرد و موج مهاجرت‌های روستایی را سبب گردید.

بدین ترتیب، بافت شهر بعد از سال‌های ۱۳۲۰ مورد جراحی شهرسازانه بسیار وسیعی قرار گرفت. شهرها که مدت‌ها قبل به تغییرات محتوایی دست زده بودند و با یک آهنگ آرام به روند دگرگونی‌های خود در دهه قبل از خود ادامه می‌دادند، ناگهان خود را در مقابل شهرسازی «بولدزر» یافتند که نه تنها هدفش ایجاد زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود، بلکه سوددهی و بورس‌بازی زمین‌های شهری نیز در این راستا مورد توجه قرار گرفت. فرسودگی اندام شهری در عدم انطباق با شرایط جدید به این امر دامن زد و شهر خود را در مقابل تغییرات وسیع و سیمای روشن و گویای شهرگرایی وارداتی یافت و برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های غرب‌گونه را طلب می‌کرد. گسترش فضایی با شدت بیشتری ادامه یافت و شهرها وسعت یافتند.

۲) برنامه‌ریزی شهری در ایران

توجه به برنامه‌ریزی امور در ایران از اوایل سلطنت پهلوی به صورت کلاسیک شروع شده است. با این همه به صورت مدون و با یک روال تشکیلاتی شاید بتوان حرکت برنامه‌ریزانه را در ایران از سال ۱۳۱۶ یعنی سال تشکیل نهادگونه شورای اقتصاد دانست.

از آغاز سلطنت پهلوی، رژیم با استخدام مهندسان خارجی و استقرار آن‌ها در مشاغل اجرایی وزارت داخله، زمینه تحول در برنامه‌ریزی شهری را فراهم ساخت؛ زیرا وزارت داخله اهرم ارتباط با مسائل کشور و از جمله مسائل شهری بود. نتیجه کار این گروه احداث میادین و خیابان‌ها با از بین بردن بافت قدیمی شهرها و تخریب بازار و میدان‌های سنتی بود.

طرح‌های شهری با کیفیتی که اکنون در کشور متداول است، از ابتدای برنامه سوم عمران کشور (۱۳۴۱-۴۶) آغاز گردید. در سال ۱۳۴۳، وزارت آبادانی و مسکن و به دنبال آن شورای عالی شهرسازی تأسیس شدند. نظارت بر کار تهیه طرح‌های جامع شهرهایی که قرارداد آن‌ها قبلاً منعقد شده بود، به دبیرخانه شورای عالی شهرسازی محول شد و پس از مدتی، عقد قراردادهای جدید در این مورد نیز به دبیرخانه مذکور واگذار گردید.

در برنامه عمرانی چهارم کشور (۵۱-۱۳۴۷) مطالعات مربوط به طرح‌های جامع ۲۰ شهر که بعضی از آن‌ها در برنامه سوم آغاز شده بود، خاتمه یافت و به مرحله اجرا درآمد. طرح‌های جامع شهرهای بندرعباس، تهران، تبریز، قزوین، رشت، بندرلنگه، همدان و ... از آن جمله‌اند.

در برنامه پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) مطالعات مربوط به طرح‌های جامع شهرهایی آغاز شد که در سرشماری سال ۱۳۴۵ بیش از ۲۵ هزار نفر جمعیت داشتند. این اقدامات با تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی در تیرماه ۱۳۵۲ موجب شد که امر مربوط به طرح‌های توسعه شهری و رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی در چهارچوب وظایف این وزارتخانه برای نخستین بار به صورت مدون درآید، طرح‌های توسعه شهری با ضوابط معینی تهیه شوند. در این برنامه مقرر شد که برای شهرهایی که کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت دارند، طرح‌های هادی تهیه گردد.

کج مثال ۸: از چه سالی دگرگونی‌های وسیع در نظام کالبدی شهرها به وجود آمد؟

۱۳۴۱ (۴)

۱۳۳۲ (۳)

۱۳۲۰ (۲)

۱۳۱۰ (۱)

پاسخ: گزینه «۳» روند تغییرات کالبدی شهرها، که به تدریج و به موازات تصمیم‌گیری‌های حکومتی و سیاسی انجام می‌گرفت، تا سال ۱۳۲۰ ادامه یافت؛ ولی از آن به بعد دچار رکود گردید و شهرها به دلایل متعدد سیاسی - اقتصادی به سامان‌بخشی جراحی‌های گذشته و ترمیم خرابی‌های خود پرداختند و تا سال ۱۳۳۲ این روند ادامه داشت و از آن به بعد دگرگونی‌های وسیع در نظام کالبدی شهرها به وجود آمد.

کج مثال ۹: طرح‌های شهری با کیفیتی که اکنون متداول است، از کدام برنامه عمرانی کشور آغاز شدند؟

برنامه عمرانی پنجم کشور (۴)

برنامه عمرانی چهارم کشور (۳)

برنامه عمرانی سوم کشور (۲)

برنامه عمرانی دوم کشور (۱)

پاسخ: گزینه «۲» طرح‌های شهری با کیفیتی که اکنون در کشور متداول است، از ابتدای برنامه سوم عمرانی کشور (۴۶-۱۳۴۱) آغاز شدند. در سال‌های اول برنامه عمرانی سوم کشور، قرارداد تهیه طرح جامع چند شهر و تعدادی از مؤسسات مشاور و معماری و ساختمانی منعقد گردید، تا این‌که در سال ۱۳۴۳ وزارت آبادانی و مسکن و به دنبال آن شورای عالی شهرسازی تأسیس شد.

طرح‌های شهری در نظام جمهوری اسلامی ایران

تا قبل از انقلاب، طرح‌های شهری تنها به محدوده شهرها توجه می‌کردند و مجموعه طرح‌های شهری به تغییرات فیزیکی و طراحی فیزیکی شهر توجه داشتند؛ لیکن با مشکلاتی که پیش آمد، توجه به حوزه نفوذ و پس‌کرانه‌های روستایی نیز ضرورت داشت؛ لذا اهداف طرح‌های جامع باید تغییر می‌کرد و حوزه نفوذ شهرها و شعاع عمل آن‌ها با در نظر گرفتن مجموعه عملکردهای شهری مدنظر قرار می‌گرفت. به علاوه، ضرورت داشت که اصلاحاتی در وظایف و قوانین شهری و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی نیز به وجود آید.

در راستای اهداف، عناوین مطالب و شرح وظایف مربوط به تهیه طرح‌های جامع در تاریخ ۶۳/۱۰/۱۶ تحت نام «طرح‌های توسعه و عمران و حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها» تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد و مقرر گردید که مجدداً برای همه شهرها طرح‌های جامع تهیه شود و یا طرح‌های جامع قبلی طبق ضوابط جدید مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گیرند. بدین ترتیب، نظم جدیدی در طرح‌های شهری به وجود آمد و فعالیت‌ها از سر گرفته شد.

از سال ۱۳۶۹، شورای عالی شهرسازی با حفظ اختیارات خود در تصویب نهایی طرح‌ها، اختیار تصویب طرح جامع شهرهای واقع در مناطق جنگ‌زده و همچنین شهرهایی را که جمعیت آن‌ها طبق سرشماری سال ۱۳۶۰ کمتر از ۲۰۰ هزار نفر بود، به شورایی به ریاست استاندار و عضویت مدیر کل یا بالاترین مقام استانی و دستگاه‌های عضو شورای عالی تحت عنوان «شورای شهرسازی استان» واگذار کرد. در نتیجه‌ی این اقدام، تصویب طرح‌های جامع شهری سرعت بیشتری پیدا کرد و شورای عالی فرصت یافت که به مسائل مهم‌تر و اساسی‌تر یعنی طرح‌های منطقه‌ای، مکان‌یابی شهرهای جدید، تعیین نقش شهرهای اصلی و وضع ضوابط و مقررات عمومی شهرسازی بپردازد.

از بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۰، جمعاً ۱۲۴ طرح جامع منطقه‌ای، شهری، شهرک و شهرهای جدید تهیه و مورد تصویب قرار گرفته است. از این تعداد، طرح‌های جامع شهری شامل ۱۰۸ طرح می‌گردد و ۱۶ طرح به طرح‌های جامع منطقه‌ای و شهرهای جدید تعلق دارند.

ایجاد شهرهای جدید

از آنجایی که توزیع فضایی شهرها و توزیع جمعیت شهرهای کشور و هدایت و کنترل آن‌ها در چهارچوب یک برنامه جامع ملی صورت نگرفته بود، مشکلات ناشی از رشد شتابان شهرنشینی ابعاد پیچیده‌ای یافته بود، به طوری که ۷۰ درصد از جمعیت کشور در بخش‌های نیمه غربی و نوار باریکی از شمال کشور ساکن می‌باشند و این در حالی است که در بیش از ۶۰ درصد از کل مساحت کشور کمتر از یک‌سوم جمعیت استقرار یافته‌اند. از طرف دیگر، افزایش چشمگیر تعداد شهرهای کشور در طی سه دهه گذشته و انباشته شدن توده عظیم جمعیت در شهرهای بزرگ، ایجاد حاشیه‌نشینی، شهرک‌ها و قطب‌های جمعیتی در اطراف شهرها و روستاها مسائل و مشکلاتی را به بار آورد که باید قبل از پیدایش بافت‌های ناهنجار و جلوگیری از تشدید مشکلات چاره‌ای اندیشید. از طرف دیگر، شهرهای بزرگ ایران به ویژه تهران با گسترش سریع و بی‌رویه و تراکم و تمرکز بیش از حد خود، قادر به تداوم حیات سالم شهری نبوده، امکانات ارائه خدمات لازم را برای ساکنان خود نداشتند و بدین ترتیب، ایجاد شهرهای اقماری در فاصله مناسب از این شهرها مناسب‌ترین راه‌حل رفع مشکلات توسعه آن‌ها بود.

اتخاذ تصمیم در مورد ایجاد شهرهای جدید کشور قطعاً یکی از بزرگ‌ترین و بااهمیت‌ترین سیاست‌هایی است که در زمینه شهرسازی و به‌طور کلی شهرنشینی پی‌ریزی شده است. در تعادل بخشی نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران، ایجاد و تزریق شهرهای جدید در پیکره نظام شهری ایران مؤثر خواهد بود؛ ولی با توجه به رهنمودهایی که در بخش مربوط به نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران ذکر شد، اساساً شهرهای جدید جایگاه خود را در فاصله‌ای معین از شهرهای بزرگ در مناطق محروم و قطب‌های توسعه، با توجه به گسترش شهرها در مقیاس ملی و منطقه‌ای بهتر می‌توانند پیدا کنند.

طبقه‌بندی و پیش‌بینی رشد شهرها و جایگاه نظام شهری کشور در طرح‌های توسعه ملی

در اهداف عمرانی شهرهای کشور در دوره‌های مختلف برنامه‌ریزی، نگرش‌های متفاوتی نسبت به طبقه‌بندی در برنامه‌ریزی آن اعمال شده است. در این برنامه‌ریزی‌ها است که سعی شده جمعیت در هر گروه از شهرها در قالب برنامه‌ریزی‌های آینده، همان‌طور که در بیشتر کشورهای جهان سوم مد نظر بوده است، در یک نظام سلسله‌مراتبی مطلوب قرار گیرد و هدف اصلی، کنترل شهرهای بزرگ‌تر و ایجاد امکانات رشد برای شهرهای کم‌جمعیت بوده است.

طرح جامع «ست‌کوپ»

سابقه مطالعات و بررسی مسائل سازماندهی فضایی سرزمین ایران به سال‌های ۱۳۵۰ - ۱۳۴۰ برمی‌گردد.

نخستین طرحی که در آن به سطح‌بندی شهری پرداخته شد، طرح جامع توسعه اقتصادی استان خراسان توسط «ست‌کوپ» بود. در این طرح که در بین سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱ انجام شده است، ضمن نگرش منطقه‌ای، یک سطح‌بندی کلی از شبکه شهرهای استان خراسان ارائه شده است.

در اینجا شهر به عنوان تولیدکننده خدمات برای شهرهای دیگر با محیط روستایی اطراف در نظر گرفته شده است. حوزه نفوذ شهر با توجه به سطح خدماتی که ارائه می‌دهد، تعیین می‌شود تا از یک سو تعیین رتبه هر یک میسر بشود و از سوی دیگر بتوان کیفیت خدمات بخش شهرها را با توجه به اعمال نظرها ارزیابی کرد و از این تجهیزات و تسهیلات در برنامه‌ریزی آینده بهره گرفت.

برنامه‌ریزی فیزیکی کشور

با تأسیس سازمان آبادانی و مسکن در سال ۱۳۴۳ و تشکیل شورای عالی شهرسازی و معماری، مطالعه و تصویب طرح‌های شهری آغاز و اندیشه‌های برنامه‌ریزی فیزیکی در فضای منطقه‌ای و ملی مطرح شد. بر این اساس، علاوه بر تهیه طرح‌های جامع شهری، نخستین گام‌ها در جهت ساخت فضاهای شهری و منطقه‌ای و تعیین سطح‌بندی شبکه شهری کشور برداشته شد. در سال ۱۳۴۸، اولین طرح مطالعات مربوط به تعیین مناطق شهری در دبیرخانه شورای عالی شهرسازی تهیه شد.

در این بررسی، ۲۴۹ شهر کشور (۱۳۴۵) به ۱۴۱ واحد برنامه‌ریزی شهری (منطقه شهری خرد) و ۱۱ واحد کلان برنامه‌ریزی (منطقه کلان) تقسیم شدند. این مناطق ۱۰۰ درصد جمعیت شهری و ۴۵ درصد جمعیت روستایی را دربر گرفته بودند. هدف اصلی در این مطالعات، شناخت و تعیین واحدهای برنامه‌ریزی شهری بوده است تا با برخورداری از کلیه امکانات بتوان اهداف توسعه را در سطح کشور تحقق بخشید.

شبکه و نظام شهری در مطالعات آمایش سرزمین توسط مهندسان مشاور ستیران

گزارش‌های مرحله نخست این گروه در سال ۱۳۵۵ تحت عنوان طرح پایه تدوین شد و گزارش مطالعات دوره دوم تحت عنوان مطالعات دوره دوم استراتژی درازمدت در سال ۱۳۶۵ در چهار بخش زیر تدوین یافت:

- ۱- جامعه شهری و خط‌مشی‌های اجرایی آن
 - ۲- جامعه روستایی و خط‌مشی‌های اجرایی آن
 - ۳- محورهای خوزستان - آذربایجان و خط‌مشی اجرایی آن
 - ۴- تمرکززدایی فعالیت‌های بخش دوم و سوم و خط‌مشی اجرایی آن
- هدف‌های اساسی طرح عبارت بودند از:
- ۱- جذب جمعیت ناشی از رشد شهرنشینی در نظام شهری کشور
 - ۲- توزیع رشد اقتصادی، توزیع درآمد، کیفیت و سطح خدمات، ظرفیت‌نوسازی و توسعه در سراسر کشور به بهترین وجه
 - ۳- کنترل حرکات مهاجرتی و حفظ سطح معینی از سکونت در سراسر کشور
- سیاست‌های کلی در این طرح عبارت بودند از:

- ۱- مهار آمایش رشد تهران
- ۲- توسعه یک نظام شهری مرکب از شهرهای اصلی در سراسر کشور
- ۳- سیاست تقویت شهرهای متوسط
- ۴- توسعه شبکه‌ای از شهرهای کوچک برای تأمین پوشش خدمات‌رسانی روستاها

معیارهای گزینش و رتبه‌بندی شهرها از دیدگاه ستیران بر پایه اهمیت جمعیت، مطالعه سطح کیفیت خدمات عمومی و اهمیت نسبی هر یک از خدمات انتخابی در یکایک شهرها استوار بود. شهرهایی با جمعیت بیش از ۲۵۰ هزار نفر و بیشتر مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌های کل و چند شهر مهم به عنوان شهرهای کلیدی شبکه انتخاب شدند. این شبکه به نحوی شکل گرفت که شهرهای اصلی به همراه حوزه نفوذشان بخش مهمی از کل سرزمین را زیر پوشش قرار می‌دادند. آنها در گزینش شهرهای میانی نیز عمدتاً در محورهای توسعه به شرح زیر انتخاب شدند:

- ۱- شهرهای میانی صنعتی در محورهای ممتاز توسعه ۲- شهرهای میانی به عنوان اقمار شهرهای بزرگ ۳- شهرهای میانی مناطق حاشیه و دورافتاده در کل ستیران از ۱۲ شهر یا مجتمع شهری تشکیل شده است که شامل موارد زیر است:
 - ۱- پنج پایتخت منطقه‌ای موجود (اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز، اهواز)
 - ۲- پایتخت جدید منطقه‌ای (کرمانشاه)
 - ۳- سه مرکز جاذبه منطقه‌ای (بندرعباس، کرمان، زاهدان)
 - ۴- بالآخره سه مرکز تقویتی توسعه منطقه‌ای ارومیه، رشت، ساری و مجموعاً چهار شهر آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر
- مجموعه چهار شهر آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر که برای هر یک تا سال ۱۳۹۱ می‌توان نیم میلیون نفر جمعیت در نظر داشت، به عنوان مراکز منطقه‌ای شمال کشور و استخوان‌بندی اصلی نظام شهری شمال ایران پیشنهاد شدند.

کدام مثال ۱۰: طرح‌های شهری در قبل از انقلاب به کدام یک از مسائل توجه نمی‌کردند؟

- (۱) طرح‌های شهرک‌سازی (۲) توجه به محیط زیست (۳) حوزه نفوذ شهرها (۴) طرح‌های توسعه شهری

پاسخ: گزینه «۳» تا قبل از انقلاب، طرح‌های شهری تنها به محدوده شهرها توجه می‌کردند و مجموعه طرح‌های شهری به تغییرات فیزیکی و طراحی فیزیکی شهر توجه داشتند؛ لیکن با مشکلاتی که پیش آمد، توجه به حوزه نفوذ و پس‌کرانه‌های روستایی نیز ضرورت داشت؛ لذا اهداف طرح‌های جامع باید تغییر می‌کرد و حوزه نفوذ شهرها و شعاع عمل آن‌ها با در نظر گرفتن مجموعه عملکردهای شهری مدنظر قرار گرفت.